مطبوعه هفتگی
# موج بیداری

سه‌شنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۳ -۳ آوریل ۲۰۲۴ -۲۲ رمضان ۱۴۴۵ -سال بیست و یکم -٤ صفحه -نمره ٤۲۳- ٤۰۰۰ تومان

## موسیقی، الهام‌بخش است

گفت‌و‌گو با سمیرا میس جابری، پیانیست و مدیر آموزشگاه چکاوک

سرچشمه(۲)

## کارگران را به سخره نگیرید

سرچشمه(۲)

## جیب‌بری قانونی به سبک افزایش سن بازنشستگی

سرچشمه(۲)

در بازدید نماینده‌ی ابهر و خرم‌دره از مجموعه
کشت و صنعت بنیاد مستضعفان خرم‌دره، مطرح شد؛

## کشت کم‌مصرف را نهادینه کنیم

اعلانات(٤)

آب

## جیب‌بری قانونی به‌سبک افزایش سن بازنشستگی

**دکتر نبی‌اله محمدی**

ازاینکه یک موضوعی دارای قانون معینی در کشور است، صرف قانون بودنش دلیل براین نیست که آن موضوع اخلاقی است.

ممکن است قوانینی باشند که فاقد پشتوانه و توجیه منطقی و اخلاقی باشند و صرفا سیستم‌ها با تصویب و اجرای آن بر عموم فشار بیاورند و بگویند قانون است و همه باید مطیع قانون باشیم! و از این ترفند بهره ببرند تا هرکسی از چنین قانون غیر منطقی و غیر اخلاقی عدول کرد را مجرم شناسایی کنند! و با توجه به اینکه سیستمی که چنین قانونی را تصویب می‌کند دارای ابزارهای قهری برای برخورد با عدول کنندگان نیز است، نهایتا منجر به افزایش نارضایتی اجتماعی می‌شود.

در کشور ما مواردی از این قبیل را می توان به افزایش سن بازنشستگی و قانونی اعلام کردن آن اشاره کرد. این در حالی است که هیچ خدمات و مزایایی برای کسانی که مشمول این قانون غیر منطقی و غیر اخلاقی شده‌اند، اضافه نشده است.

بی کفایتی در مدیریت صندوق‌های بازنشستگی و فسادهای مالی افشا شده و نشده در آنها باعث شده است که صندوق‌های بازنشستگی منابع مالی عظیمی که از حقوق کارگران و کارمندان در طول سالیان سال کسر کرده بودند را به بادفنا دهند و در اثر این موارد منابع مالی صندوق‌ها بازنشستگی تهی شدند و مجلس و دولت به جای نظارت و مدیریت بهینه این صندوق‌ها و برخورد بامفسدین اقتصادی این حوزه، راه میانبری راانتخاب کردند که جز فشار بر مردم ماحصل عمومی دیگری ندارد و با تصویب افزایش سن بازنشستگی جیب کارگران و کارمندان را به سبک قانونی خالی کرده تا کسری صندوق‌ها را از این طریق پوشش دهند و عملاً هزینه‌ی بی‌کفایتی مدیریت صندوق‌های بازنشستگی با این رویه از حقوق مردم داده می‌شود و این جای تعجب و سوال است!؟

این در حالی است که اگر وضعیت پرداخت حقوق به کارگران و کارمندان را در کشورهای اروپایی مثل آلمان بررسی کنیم «حداقل متوسط» حدود ۲ هزار و پانصد یورو حقوق دارند و کلی خدمات از حوزه بهداشت تا کمک هزینه زندگی و... می‌گیرند و حتی ساعات کاری شان هم کمتر است و حال بیایید این را با حداقل حقوق در ایران مقایسه کنید و نهایتاً ببینید چه خدماتی صندوق‌های بازنشستگی در آنجا و در ایران می‌دهند؟ جواب مشخص است و جای تاسف دارد.

به جای افزایش سن بازنشستگی باید با مفسدین اقتصادی صندوق‌ها برخورد قاطع می‌شد! تصویب قوانینی که به صورت یک‌طرفه سن بازنشستگی را افزایش می‌دهد باید قانونی غیر اخلاقی نام نهاد و پیشنهاد می‌شود جلوی زیان اجتماعی را بگیرید زیرا این نوع قوانین به مردم فشار می‌آورند و موجبات نارضایتی است و تصویب کنندگان این قوانین باید این موارد را لحاظ می‌کردند و از فشار به مردم پیشگیری می‌کردند!

## خرید دستگاه جدید رادیوتراپی کلینیک مهرانه نیازمند کمک مردمی است

**سرچشمه**–مدیر عامل انجمن خیریه حمایت از بیماران مبتلا به سرطان مهرانه زنجان گفت: در کلینیک درمانی این مجموعه ۲ دستگاه رادیوتراپی برای خدمات دهی به بیماران فعال است که عمر مفید یکی از آنها به سر آمده است و برای تهیه دستگاه جدید نیازمند کمک مردمی هستیم.

به گزارش ایرنا، اصغر وثوق روز به راه اندازی پویش مردمی «من هستم» برای تامین این هزینه از محل مشارکت و کمک‌های مردمی اشاره کرد و افزود: دستگاه رادیوتراپی فعلی انجمن خیریه حمایت از بیماران مبتلا به سرطان مهرانه از سال ۱۳۹۳ در حال فعالیت بوده و از طریق آن تا به امروز برای حدود ۱۰۰ هزار بیمار مبتلا به سرطان، جلسه درمانی رایگان ارائه شده است.

وی ادامه داد: در نتیجه ارائه این خدمات رایگان، بالغ بر ۷۰۰ میلیارد ریال هزینه در جیب بیماران مبتلا به سرطان مانده است.

وثوق گفت: اکنون با گذشت حدود ۱۰ سال از زمان بهره برداری، عمر مفید دستگاه رو به اتمام بوده و زمان تعویض آن فرا رسیده است که طبق استعلامات صورت گرفته حداقل مبلغ یک هزار و ۴۰۰ میلیارد ریال جهت خرید دستگاه جایگزین نیاز است.

وی خاطرنشان کرد: امیدواریم همچون گذشته با همت بلند خیرین زنجان و کشور عزیزمان با تهیه مبلغ یاد شده ناجی جان هزاران بیمار دیگر باشیم.

مدیرعامل انجمن خیریه حمایت از بیماران مبتلا به سرطان مهرانه زنجان گفت: برای تامین این هزینه پویش مردمی «من هستم» راه اندازی و در آن ۵۰۰ هزار سهم سه میلیون ریالی برای مشارکت هر نفر در نظر گرفته شده است.

به گزارش ایرنا، انجمن خیریه حمایت از بیماران مبتلا به سرطان مهرانه زنجان به عنوان برترین خیریه کشور در حوزه درمان بیماری سرطان بزرگسالان شناخته می‌شود و در مدت ۱۷ سال فعالیت آن، خدمات رادیوتراپی، شیمی درمانی، آزمایشگاهی و پزشکی هسته‌ای به صورت رایگان به بیماران ارائه می‌شود.

وی با بیان اینکه بیمارستان بوعلی سینا در حد یک بیمارستان نیست، تصریح کرد: راه‌اندازی بیمارستان جدید نور ولایت علاوه بر رفع نیاز مردم شهرستان خرمدره، می‌تواند پاسخگوی نیاز بخشی از حوادث جاده‌ای یا مسافرانی که در حال تردد از مسیرهای ارتباطی منطقه هستند نیز باشد.

# موسیقی، الهام‌بخش است

## گفت‌وگو با سمیرامیس جابری، پیانیست و مدیر آموزشگاه چکاوک

**فاطیما سیاحتی**

**موسیقی را جبران ناکامی‌های زبان می‌دانند که شیوه‌ای برای بیان احساسات ناملموس آدمی است. احساساتی که نمی‌دانیم چه هستند، از کجا نشأت می‌گیرند و از کدام سو می‌آیند. آنجا که زبان از بیان باز می‌ماند، رسالت موسیقی آغاز می‌شود تا پیام اصیل و انسانی‌اش را به سرزمین ناشناخته‌ی روان آدمی برساند. موسیقی زبان مشترک بشریت در طول تاریخ بوده و در پیوند دادن جوامع انسانی و تحکیم روابط فرهنگی و اجتماعی نقش موثری داشته است.**

**موسیقی نیازهای روانی جوامع بشری را در طول تاریخ تامین نموده و به خلاقیت و بالندگی‌های ملل و نحل مختلف منجر شده است. بنابراین جهان و انسان و جامعه‌ی انسانی از بدو پیدایش با هزاران رگ و ریشه به موسیقی آمیخته‌اند و موسیقی از ملزومات یک جامعه‌ی طبیعی است. اگر چه موسیقی در این آب و خاک تاریخی کهن دارد و راوی ناکامی‌ها و پیروزی‌های این ملت و میهن بوده است ولی انزوای آن در نیم قرن اخیر یکی از دلایل جدی غیرطبیعی شدن جامعه و بروز ناهنجاری‌ها و کاهش بهره‌وری معنوی جامعه‌ی در حوزه‌های مختلف شده است. هیچ هنری با سرکوب از کار نیفتاده و تمامی هنرها آن‌قدر خلاق بوده‌اند که از سخت‌ترین بن‌بست‌ها رهیده و خود را نجات دهند. با این اوصاف از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۷۰ با بسیط شدن عرصه‌ی فرهنگی کشور بار دیگر موسیقی به تدریج به صحنه‌ی نمایش بازگشت و نمو تازه‌ای از سر گرفت. در زنجان نیز با فراخ شدن فضای فرهنگی فرصت تازه‌ای برای آموزش و اجرای موسیقی فراهم شد، در این سال‌ها با ظهور محافل فرهنگی و هنری و با شکل‌گیری آموزشگاه‌ها و انجمن‌ها نوسازی جامعه شروع شده و به تعمیق و توسعه‌ی آمال و مطالبات خود پرداخت. در سال‌های پایانی این دهه، جامعه چون جوجه‌ی به جان آمده، پوسته‌ی ضخیم خود را شکافت و با درک نسیم حیات‌بخش به بالندگی رسید و نغمه‌ی عاشقانه‌ی خود را سر داد. جامعه، آن مرغ سحری بود که مشتاقانه به فتح آسمان می‌اندیشید و در این راه به افق‌های تازه‌ای دست یافت. اگر چه از گزند زمانه مصون نماند و بار دگر ناله سر داد. به هر صورت سنگ بنای آموزشگاه موسیقی چکاوک با همت سمیرامیس جابری در سال ۷۹ گذاشته شد و در طی این سال‌ها خورشید شور از شرق ساغر او دمیده و نسل‌های زیادی را مدهوش کرده است. سمیرامیس در کنار مدیریت این آموزشگاه، در کسوت مدرس پیانو و موسیقی کودک به امر آموزش اهتمام نموده و بر جمعیت نسل پیانیست شهر افزوده است. او مدرک کارشناسی ارشد میکروبیولوژی دارد ولی در کنار آن دارای مدرک دیپلم موسیقی و کارشناسی موسیقی است و یک شهر او را با همین صفات هنری‌اش می‌شناسند. جابری دوره‌ها و کارگاه‌های بسیاری را در داخل و خارج از کشور گذرانده و سخاوتمندانه آن تجارب را در اختیار مربیان و هنرجویانش می‌گذارد. در حال حاضر آموزشگاه موسیقی چکاوک فعال‌ترین آموزشگاه موسیقی شمال‌غرب کشور به شمار می‌رود. در طی این سال‌ها اجرای ده‌ها کنسرت در قالب ارکستر کودکان، بزرگسالان و نوجوانان با اجراهای زنده‌ی خود در سالن‌های رسمی شهر، گواه این مدعاست. گفتگوی ما را با موسس آموزشگاه چکاوک از سر بگیرید:**

**خانم جابری چه شد که به فکر تاسیس آموزشگاه موسیقی افتادید؟**

در آن سال‌هایی که بنده تصمیم به اخذ مجوز برای تأسیس آموزشگاه موسیقی گرفتم هدفم آموزش علمی و اصولی رشته‌ی موسیقی برای دختران و کودکان شهر بود. در طی این سال‌ها علاوه بر اهتمام به آموزش درست موسیقی، ایجاد محیطی امن و آرام از اولویت‌های ما بوده است. جالب است آن روزها مدرس موسیقی خانم در شهر نبود و البته عزیزانی در این سال‌ها آمدند و فعالیت کردند و به هر دلیلی از شهر رفتند ولی در حال حاضر تنها مدیر و موسس خانم در زنجان بنده هستم و امیدوارم روزی تعداد خانم‌های همکار بیشتر شده و در کنار هم بر عمق و ابعاد آموزش موسیقی بیافزاییم.

**گفتید تامین محیط آرام برای امر آموزش از اولویت‌های شماست، چه مولفه‌هایی را در این رابطه مد نظر داشته‌اید؟**

به عنوان مثال اخلاق هنری و اجتماعی و نیز سلامت روح و روان مدرس به اندازه‌ی تسلط و تخصص حرفه‌ای او برایم مهم بوده است و تا این دو مورد ملازم هم نباشند زمینه‌ی همکاری ما شکل نمی‌گیرد. جالب است بدانید اغلب مدرسان ما از بین افرادی که پیش‌تر هنرجوی ما بودند انتخاب شده‌اند چون مسیر صحیح علمی را پیموده‌اند و شناخت دقیقی از تخصص و توانمندی و شخصیت فردی آن‌ها داریم.

**چرا نام چکاوک را انتخاب کردید؟**

نام چکاوک را از باب معنی ساده‌ی آن در نزد عموم برگزیدم که پرنده‌ی خوش الحان چکاوک همیشه خوش می‌خواند و نغمه‌ی زیبایی سر می‌دهد و نمادی از موسیقی است و اما در معنی تخصصی آن گوشه‌ای است از دستگاه همایون.

**خانم جابری، موسیقی ارف جایگاه خاصی در آموزشگاه چکاوک دارد، لطفا در این رابطه بیشتر توضیح دهید.**

دلیل اینکه به موسیقی ارف که آموزش موسیقی ویژه‌ی کودکان است، اهمیت ویژه‌ای قائل بوده و هستم این است که آموزش موسیقی مثل هر آموزش دیگری باید در سنین پایین و به درستی با اصول علمی و مطابق با استانداردهای جهانی انجام گیرد تا نتیجه‌ی مطلوب حاصل شود. دکتر شینیچی سوزوکی می‌گوید: به خاطر کودکان، به ما اجازه دهید از زمانی که در گهواره هستند به آن‌ها موسیقی را آموزش دهیم تا در آینده ذهنی اصیل، احساسی و سرشار از ارزش‌های انسانی و توانایی‌های درخشان داشته باشند. بنابر این از همان سال‌های کودکی باید زیرسازی خوبی برای امر آموزش انجام شود و این پایه‌ریزی که پیش شرط برنامه‌ریزی بلند مدت است برای ما اهمیت بالایی دارد. کودکان انس و الفت ازلی با موسیقی دارند، آوای ضربان قلب مادر برای جنین ارمغان‌آور عشق و آرامش است همچنین خواندن لالایی مادر در تمام فرهنگ‌ها، خواب خوش به کودک می‌دهد. طبق نظر پزشکان رشد هوش موسیقی در سنین کودکی از سرعت بالایی برخوردار است. پس اولین قدم را باید آموزش و پرورش در دوره‌ی ابتدایی بردارد که در رشد عاطفی –هیجانی، رشد اجتماعی، شنوایی و رشد حرکتی کودک نقش مهمی دارد. بنابراین موسیقی باعث فعال شدن تمام حواص کودک می‌شود. از جهتی کودکان شور و شعف ویژه‌ای برای انواع یادگیری‌ها و آموزش دارند و با هر حرکت آموزنده‌ای روح و روان آن‌ها تازه شده و خلاقیت‌شان شکوفا می‌شود، بر این مبنا نباید این فرصت ویژه را از دست داد و جالب است که بدانید با فراگیری مبانی موسیقی، ریاضیات و حفظیات آن‌ها هم قوی‌تر می‌شود، پس آموزش موسیقی در همان فرآیند کلی و مهم آموزش، نقش داشته و جدا از آن نیست. بنابراین می‌بینیم که ابعاد کار ارف بسیار فراتر از آموزش موسیقی است.

**از آنجایی که موسیقی کودک فاقد پیشینه‌ی دور و درازی در جغرافیای ماست و اگر بخواهیم به طور اخص درباره‌ی موسیقی کودک صحبت کنیم چه چیز قابل بیانی وجود دارد؟**

امروزه عده‌ی قلیلی را می‌توان یافت که دوره‌های عالی را در موسیقی کودک گذرانده باشند و به صورت علمی و دلسوزانه، به آموزش آن‌ها بپردازند. همچنین در حال حاضر تعداد محققان عرصه‌ی موسیقی کودک به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد. به حق خانم سودابه سالم یکی از فعالان و زحمت‌کشان عرصه‌ی موسیقی کودک است همینطور ناصر نظر، نزهت امیری و راس همه‌ی این‌ها مرحوم ثمین باغچه‌بان است که خدمات ارزنده‌ای به موسیقی ما ارائه داده‌اند و جا دارد به زحمات آن‌ها اشاره شود. آشنا کردن دوستداران هنر موسیقی اصیل ایرانی با فعالان و زحمت‌کشان عرصه‌ی موسیقی وظیفه‌ای است که بر عهده‌ی نویسندگان محققان و موسیقی‌دانان اصیل ایرانی است که متأسفانه در این مورد نیز کم‌کاری شده است.

**شما در آموزشگاه چکاوک به موسیقی اصیل ایرانی و حتی موسیقی مناطق اهمیت ویژه‌ای قائلید و در تعلیم و ترویج آن‌ها وسواس خاصی دارید، این علاقه و گرایش از کجا ناشی می‌شود؟**

ما باید کودکان را با فضای موسیقی ایرانی و محلی آشنا کنیم. آثاری که در دستگاه‌های ایرانی برای کودکان تولید شده آثار ارزنده‌ای است که توسط موسیقی‌دانان برجسته‌ی معاصر تولید شده است. یعنی هم اجرا هم تولید محتوا توسط بزرگانی مانند کامکارها، خانم سالم و آقای مهدی آذرسینا و... انجام پذیرفته است. آشنایی با موسیقی مناطق گوناگون یک کشور که مسلماً به خودباوری و غنای فرهنگی نسل‌ها کمک می‌کند در انواع موسیقی‌های مذهبی، آیینی، بازی‌ها و جشن‌ها اجرا می‌شود ولی این شناخت بدون آموزش صحیح هرگز میسر نیست. از جهتی از آنجایی که جامعه و روزگار در حال تغییر و تحول و دگرگونی است و سرعت تغییرات به‌شکل فزاینده‌ای بالا رفته، حفظ برخی سنت‌های ارزشمند وظیفه‌ی فرهنگی و هویتی ماست بنابراین نباید اجازه‌ی فراموشی برخی سازها و میراث معنوی خود را در مناطق مختلف این مرز و بوم بدهیم. بعضی از آواها و نواها و سازهای ما فقط در برخی مناطق آن هم به فراخور فرهنگ و موسیقی محلی آن منطقه پابرجا هستند و این میراث‌داری شایسته‌ی تحسین است و البته ما نیز به وسع خویش تلاش می‌کنیم از میراث موسیقایی و معنوی خود حفاظت کنیم. ناگفته نماند در عین حال که کودکان ما در عرصه‌ی تکنولوژی جدید ناچار به استفاده از لوازمی هستند که صبغه‌ی جهانی دارد و آشنایی با آن خود مزیتی مضاعف است ولی باید از ذخایر فرهنگی و هنری خود نیز به نحو احسن بهره برده و بر غنای آن بیفزایند. در این رابطه بهتر است طراحی تجهیزات جدید به گونه‌ای باشد که در بر گیرنده‌ی شاخص‌های فرهنگی سرزمین او بوده و تجلیگاه هویت بومی و ملی او باشد.

آشنایی با موسیقی مناطق گوناگون یک کشور که مسلماً به خودباوری و غنای فرهنگی نسل‌ها کمک می‌کند، در انواع موسیقی‌های مذهبی، آیینی، بازی‌ها و جشن‌های آن مناطق تجلی پیدا می‌کند و طبعاً این شناخت بدون آموزش صحیح میسر نخواهد شد.

**به نظر می‌رسد در برخی آموزشگاه‌ها برخی مربیانی وجود دارند که از تجربه‌ی کافی برخوردار نیستند آیا چنین چیزی را شما تایید می‌کنید؟**

بله همین طور است. در بعضی از آموزشگاه‌ها از مربیان جوان و بی‌تجربه و بدون هیچ سابقه‌ی کاری یا مدرک علمی و آموزشی استفاده می‌شود و روند یادگیری موسیقی کودکان به کندی انجام می‌گیرد و در بسیاری موارد نیز به انحراف کشیده می‌شود. امیدوارم با وسواس بیشتری به این مقوله نگریسته شود و آموزشگاه‌ها از مربیانی که تجربه‌ی کافی ندارند حذر کنند.

**امروزه مسئله‌ی آموزش در مقایسه با سال‌های گذشته چه وضعیتی دارد؟**

با توجه به پیشرفت روزافزون تکنولوژی و فضای مجازی، آموزش‌های صحیح در دسترس اغلب علاقمندان قرار دارد و این برای جویندگان معرفت و برای هنرجویانی که عطش آموزش دارند، فرصت مغتنمی است. بر این اساس باید این مزیت‌ها را دید و قدر آن‌ها را دانست و با چنین شرایطی بنده آینده‌ی بسیار درخشانی را برای هنرجویان پیش‌بینی می‌کنم. از نگاهی دیگر باید جامعه و دولت بستر لازم را برای آموزش فراهم کنند به عنوان مثال مهدهای کودک، مقاطع ابتدایی و آموزشگاه‌ها بیشترین تاثیر را در آموزش موسیقی صحیح دارند و سپس نوبت به دانشگاه‌ها می‌رسد که واحدی کاملاً تخصصی و علمی ارائه دهند. نهایت امر اینکه ما باید موسیقی را در نظام آموزشی خود تعریف کرده و برای فراگیری آن اهتمام ویژه‌ای داشته باشیم. فراموش نکنیم آموزش و پرورش وظیفه‌ی تربیت کودکان و نوجوانان را بر عهده دارد و موظف به انجام فعالیت‌های زیادی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها خوشایندسازی محیط آموزشی و ایجاد رغبت در دانش‌آموزان برای تعلیم و تربیت است.

**امروزه شواهد حاکی از این است که موسیقی ما در رقابت با موسیقی جهان توفیق چندانی نداشته و موسیقی غیربومی به فتح ذهن و زبان کودکان و نوجوانان ما پرداخته و روز به روز بر وسعت این فتوحات اضافه می‌شود، آیا با این نظر همدل هستید یا نظر دیگری دارید؟**

دقیقاً با نگاهی به سلیقه‌های جوانان در سال‌های اخیر مشاهده می‌کنیم که تاثیر تبلیغات گوناگون بر روی آن‌ها بسیار شدید است. چرا که آن‌ها در نظام تعلیم و تربیت خود آگاهی‌های لازم را در زمینه‌ی ریشه‌ها و چشمه‌های فرهنگ خود کسب نکرده‌اند و اصولاً شناختی در زمینه‌ی تاریخ و فرهنگ و هنر ندارند، در نتیجه این جوانان قدرت نقد و بررسی و انتخاب آگاهانه ندارند و همین جاست که اهمیت آموزش و مفاهیم فرهنگی به‌ویژه موسیقی در تعلیم و تربیت مشخص می‌شود. امروزه ما در حالی از سلطه‌ی فرهنگی صحبت می‌کنیم که در نظام آموزش و پرورش ما نشانه‌ای از آموزش موسیقی که بخش مهمی از هویت فرهنگ و سرزمین ماست، وجود ندارد.

**خانم جابری، به نظرتان هنر چه نقشی در زندگی بشری دارد؟**

هنر زبان عشق و عشق آغاز شناخت خویش و خداوند است. پس کمال آدمی با عشق است. عشق معنوی در تعلیم و تربیت سابقه‌ی چشمگیری دارد. اگر هنر در تعلیم و تربیت به طور عام اثرگذار است، در تربیت بدنی و معنوی و اخلاقی نیز به طور خاص اثر می‌گذارد و به هنر باید از طریق آموزش و بازنگری محتوای دوره‌های تربیت معلم، بیش از پیش پرداخته شود. شما به عنوان یک هنرمند دنبال زیبایی‌ها و ظرافت‌ها می‌گردید تا این‌ها را بشناسید، بیرون بکشید، برجسته کنید و نشان بدهید. یعنی یک هنرمند ظرافت‌ها، زیبایی‌ها، ریزه‌کاری‌ها، دقایق و حقایق غیر قابل دید با چشم غیر مسلح را با تلسکوب هنر و نگاه هنرمندانه بیرون می‌کشد و نشان می‌دهد. هنر در همه‌ی فرهنگ‌ها و در بین ملل و اقوام جایگاه والایی داشته است. هنر وجهه‌ی عمومی و جهانی دارد و به قطعه‌ای از زمین و زمان منحصر نمی‌شود، به عبارتی هنر برخاسته از فطرت پاک بشر است و به زندگی انسان معنا می‌دهد و معنویت ایجاد می‌کند.

**موسیقی چه کارکردی در زندگی تاریخی ما داشته است؟**

استفاده از موسیقی در آیین‌های مذهبی، سوگ‌ها، بزم‌ها و رزم‌های ملل و مذاهب مختلف دنیا، از منبع واحدی سرچشمه گرفته است، منبعی به نام انرژی‌های جمعی، نیازهای روانی و هیجانات انسانی و در روایت پیروزی‌ها و شکست‌ها نقش موثری داشته همچنین به توسعه و تعمیق روابط جوامع انسانی کمک کرده است. فراموش نکنیم خلقت دنیا همراه با «صوت» بوده است پس ذات بشر در اصل پیوسته‌ی عنصری صوتی بوده است. خلاصه اینکه انسان با موسیقی زاده شده، زندگی کرده و با موسیقی نیز به ابدیت بدرقه می‌شود. از یاد نبریم که موسیقی در جامعه‌ی ما هم تاریخ و طرفداران زیادی دارد. موسیقی ایران در طول تاریخ در آیین‌های ملی، مذهبی، سنتی و محلی و نیز در غم‌ها و شادی‌ها کارکرد داشته و در هماهنگی و همدلی جمعی ما در ادوار مختلف تاریخ نقش مهمی داشته است. امروز هم می‌توان از موسیقی کلاسیک در زمینه‌ی آشنایی با تاریخ و تحولات هنر بهره گرفت و درک شنیداری کودک را بسط داد و حتی برای گفتگو و تعامل با سایر فرهنگ‌ها از آن بهره برد. علاوه بر این‌ها موسیقی همیشه الفتی با سایر رشته‌های هنری داشته و هنرمندان را در وضعیت و موقعیت‌های خاص همراهی نموده است. مثلاً گاهی یک هنرمند نقاش با گوش سپردن به موسیقی و الهام گرفتن از آن، خلاقیت‌اش شکوفاتر شده و نقاشی‌اش را تکامل بخشیده است. قصه‌گویی و قصه‌خوانی با موسیقی، نمایش با موسیقی و حتی معماری با موسیقی و... به موقعیت‌های والاتری نیل می‌کند و این از اعجاز آشکار موسیقی است. در ضمن با نگاهی به گذشته‌ی تاریخی ما پیداست که هنرمندانی از این سرزمین برخاسته‌اند که با وجود همه‌ی محدودیت‌ها و محرومیت‌ها، اصول و ارزش‌های فرهنگی، تاریخی سرزمین خود را حفظ کرده و در آموزش و پرورش موسیقی نواحی و اصیل ایرانی کوشیده‌اند.

**فکر می‌کنید در کار خودتان چه قدر موفق بوده‌اید؟**

این را باید خانواده‌ها بگویند ولی ما هزاران کودک را از سال ۷۹ تاکنون آموزش داده‌ایم و موسیقی را وارد فضای خانواده‌ها کرده‌ایم، خوشحالم که بهترین، سالم‌ترین و جهانی‌ترین هنر و تفریح هنری را به درون خانواده‌ها برده‌ایم. نه تنها ما که تعداد قابل قبولی از آموزشگاه‌های موسیقی در مسیر صحیح آموزش علمی حرکت می‌کنند و از مدرسین خوب و باتجربه استفاده می‌کنند که این موهبت کمی در شرایط فعلی نیست. فراموش نکنیم که دنیا بدون موسیقی معنایی ندارد و موسیقی از بدو خلقت با انسان بوده و خواهد بود.

**خانم جابری موسیقی در داخل خانواده‌ی شما چه جایگاهی داشته است و چه شد که خود شما به این وادی سوق پیدا کردید؟**

پدر و مادر من به شدت اهل موسیقی بودند و ترانه‌های اصیل گوش می‌دادند و بنده هم در همان فضا رشد کرده و گوش و هوش موسیقایی‌ام در همان کودکی تربیت شد. پدرم تمام ترانه‌های اساتید معروف و آهنگسازان به نام آن دوره را به طور کاملاً صحیح می‌خواند. طوری که من بدون شنیدن آهنگ اصلی و صرفاً از روی صدای تقلیدی پدرم، می‌توانم آن آهنگ‌ها را بخوانم یا بنوازم. با این اوصاف از آنجایی که در زمان کودکی ما کشور در حال جنگ بود، فضای مناسبی برای آموزش نبود ولی در غایت امر من مسیر خودم را پیش گرفتم و در راه آرمانی‌ام متحمل زحمات زیادی شده‌ام و البته به نتایج رضایت‌بخشی دست یافته‌ام که بدون همراهی خانواده‌ام مقدور نبود، خانواده‌ای که صد در صد مشوق و پشتیبانم بوده و علاوه بر امر آموزش در تأسیس آموزشگاه هم حمایتم کرده‌اند. در نهایت جا دارد قدرشناسانه به تشویق‌ها و هم‌فکری‌ها و حمایت‌ها و دلگرمی‌های بی‌دریغ همسر هنردوست و هنرمندم اشاره کرده و نقش موثر ایشان را در رشد و موفقیت مجموعه‌ی آموزشگاه موسیقی چکاوک یادآور شوم. پس اگر موفقیتی هست حاصل همراهی و همدلی چند جانبه‌ای است که از جانب همکاران و خانواده داشته‌ام و بنده با تمام وجود قدر این سرمایه‌ها را می‌دانم. دم‌شان گرم.

آبگینه

## کارگران را به سخره نگیرید

**اصغر نجاری**
**(دبیر اجرایی خانه کارگر استان زنجان)**

امسال هم به سیاق سال‌های گذشته با تصمیم یک‌طرفه‌ی دولت (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) بدون توجه به رسالت و وظایف قانونی شورای عالی کار سال ۱۴۰۲ را با انبوهی از مطالبات بر جای مانده طی کردیم و همچنان تورم افسار گسیخته بر سینه‌ی سوخته‌ی جامعه، به‌ویژه جامعه‌ی کارگری یورتمه می‌رود.

وزیری که به جای اجرای قانون، سطح مذاکرات را به ریش گرو گذاشتن خود نزد نمایندگان کارفرمایی، تنزل دهد چگونه می‌تواند درهای صبح امید را به روی کارگر بگشاید. این در حالی است که موضع و اقدام سنجیده‌ی نمایندگان کارگران در شورای عالی کار که قانون‌شکنی دولت را آشکار کرد شایسته‌ی تحسین بود. نمایندگانی که در پاسخ به مطالبه‌ی کارگران در سطح کشور، وقتی با تحمیل نظر دولت مواجه می‌شوند و از اینکه نظرات‌شان توسط دو ضلع شنیده نمی‌شود ناگزیر از ترک جلسه‌ی شورای عالی کار می‌شوند تا رفتار نادرست و غیر قانونی دولت را گوشزد نموده و افکار عمومی را متوجه تصمیمات یک‌طرفه‌ی دولت کنند و بگویند نمایندگان کارگری از قدرت لازم برای چانه‌زنی برخوردار نیستند و باید چاره‌ای به این وضعیت اسفناک بیاندیشند. به زعم بنده تصمیمات، قبل از تشکیل شورا، در دولت گرفته می‌شود و صرفاً برای رعایت تشریفات شورای عالی کار، از نمایندگان کارگران دعوت می‌شود تا ادعا کنند تصمیات شورا با نظر هر سه ضلع اتخاذ می‌شود.

در این هنگامه که هیچ کورسوی امیدی برای برون رفت از وضعیت ناگوار موجود دیده نمی‌شود، جامعه‌ی کارگری دلخوش به وعده‌های رئیس دولتی بود که وعده‌ی جبران عقب‌ماندگی دستمزد را داده و روی افزایش حقوق متناسب با تورم تاکید داشتند، اما به سخره گرفتن کارگران توسط دولت تا جایی پیش رفت که آقای رئیسی به عنوان رییس دولت از عدم دعوت وزیر از علی خدایی؛ عضو فعال و تاثیر گذار کارگری در ترکیب شورای عالی کار اظهار بی اطلاعی می‌کند که اگر چه نفس این واکنش از سوی رییس دولت، امیدواری موقت و مختصری ایجاد کرد ولی به بار ننشست. به هر صورت دولت بر خلاف وعده‌های انتخاباتی با تصمیمات خلق الساعه و بدون پشتوانه‌ی کارشناسی و مدیریتی بر حجم التهابات اقتصادی می‌افزاید و جامعه‌ی همواره نگران کارگری را در وضعیتی اضطراری قرار داده است. جامعه‌ای که طعمه‌ی حریق ناامنی است نمی‌تواند زیست طبیعی داشته و برکم و کیف تولید بیاندیشد.

جلسه‌ی شورای عالی کار نیز مثل جلسات سایر دستگاه‌های دولتی باید عادی و مستند به ماده‌ی ۱۶۹ قانون کار، به دور از هر گونه حساسیت‌ها و هیجانات به طور منظم برگزار شود، اما جلسات آن عموماً در حالت غیرعادی برگزار شده و همین مسئله منجر به ناکارآمدی و عدم کنترل بازار و عدم ثبات قیمت‌ها می‌شود.

دولت با نگه داشتن جلسات شورای عالی کار به اواخر اسفند ماه و با ایجاد اختلاف بین اعضای شورای عالی کار در صدد نیل به اهداف خود (کسب رضایت بدنه‌ی کارفرمایی) می‌باشد و غافل از اینکه عدم پایبندی او به مواد ۴۱ و ۱۶۹ قانون کار، خود را در مرکز خسارت این دایره‌ی تصمیم گیری قرار خواهد داد.

تصمیم این شورا باید به قدری حساب شده، کارشناسانه و مسولانه باشد که اعتماد جامعه‌ی کارگری و تولید کننده‌ی واقعی را به خود جلب کند. متاسفانه طی سال‌های گذشته فضای جلسه در وضعیت رقابتی غلط و در شرایط ناصحیح برد و باختی تعریف شده است، در حالی که برای بهبود وضع موجود باید شکاف‌های پیشین ترمیم گردد و صلاح کار در تشریک مساعی و تقسیم مشکلات است نه تحمیل قَرارداد یک‌طرفه. شاید تصور می‌کنند با فضاسازی و ایجاد مسیرهای انحرافی برای جامعه‌ی کارگری، گرانی‌های ناشی از سومدیریت خود را به تصمیمات شورای عالی کار گره بزنند، این در حالی است که با استناد به ماده ۴۱ قانون کار دستمزد بر اساس نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی و سبد معیشت، تعیین و توسط شورای عالی کار تصویب می‌شود نه بالعکس. یعنی هیچ وقت دستمزد کارگران، مبنایی برای افزایش نرخ تورم نمی‌باشد. از طرفی دست بردن در سبد معیشت برای کاهش و دست‌کاری در دستمزد کارگران بی اخلاقی دیگری بود که از دولت فعلی سرزد تا دستمزد را سرکوب نمایند. به نظر می‌رسد تعمدی در عدم برگزاری جلسات منظم شورای عالی کار وجود دارد که مانع روند طبیعی آن می‌گردد، هرچند این برداشت توسط وزارت تعاون تکذیب شود، اما قرائن، اتفاقات و حاشیه‌های پیرامون دستمزد کارگران گویای این ادعاست.

در سنوات گذشته روال اینگونه بود که هر سال کمیته‌ی مذکور سبد معیشت را مشخص و اعلام می‌کرد و بعد از آن وارد جلسات تعیین دستمزد می‌شد، مساله‌ای که دولت از ابتدا اعتقادی بر آن نداشته و همواره سعی دارد با حضور یک‌طرفه و بدون دعوت از ضلع سوم تصمیم گیری در صدا و سیما به صورت تحلیل فاقد پشتوانه قانونی و علمی خود را به کرسی بنشاند بدون آن که تبعات تصمیمات غلط خود را در دراز مدت بسنجد و تاسف برانگیزتر آن که به دلیل ضعف در مدیریت و ناکارآمدی در اداره‌ی یک جلسه (شورای عالی کار) بار مسؤلیت از دوش خود سخن از واگذاری اختیارات شورای عالی کار به مجلس می‌کند که حتی طرح این موضوع از سوی ایشان نشان از عدم درک درست وی از حوزه‌ی وزارت عریض و طویلی چون تعاون، کار و رفاه اجتماعی دارد و پرداختن به آن خود مجال دیگری می‌طلبد. شایسته است وزارت تعاون ضمن برگزاری جلسات منظم مطابق ماده ۱۶۹ قانون کار از هرگونه حواشی پرهیز نموده و با پایش قیمت‌ها، تورم و سبد معیشت، تصمیمات قانونی و مبتنی بر واقعیت را اتخاذ کند تا اعضای کمیته‌ی دستمزد و شورای عالی کار، به ویژه دولت و نمایندگان کارفرمایان ضمن درک و فهم مشترک از قیمت‌ها و نوسانات بازار، در راستای اجرای بی‌نقص ماده ۴۱ قانون کار و افزایش رضایت‌مندی طرفین اهتمام نمایند و تمهیدات لازم برای حمایت از کارگران او تولید کنندگان واقعی را اتخاذ کنند.

### کافه فیروز

## روایتی از طولانی‌ترین بازار سرپوشیده ایران در زنجان

MEHR NEWS AGENCY
Mehdi Almasi

**هفت‌حوض**–بازار زنجان به عنوان طولانی ترین بازار سرپوشیده ایران، نماد زیبا و بی‌بدیلی از هنر و معماری بوده که در طول تاریخ همواره اصالت و زیبایی خود را حفظ کرده است.

در استان زنجان آثار و ابنیه تاریخی هستند که پسوند «ترین‌ها» به آنها افزوده می‌شود که بازار زنجان از جمله این آثار ارزشمند تاریخی است که به عنوان طولانی‌ترین بازار سرپوشیده ایران نامیده می‌شود. بازار زنجان که از مجموعه‌ای تاریخی تشکیل شده است، در مرکز بافت قدیمی این شهر که روزگاری مشرف به دروازه قلتوق بود، قرار دارد. این بازار که بر اساس اسناد تاریخی ساخت آن در سال ۱۲۰۵ قمری و در دوران آقامحمد خان قاجار آغاز شده، در سال ۱۲۱۳ قمری در زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار به بهره برداری رسید و بعدها چندین سرا، مسجد، گرمابه و... به مجموعه بازار بالا که مشتمل بر بازار قیصریه، بازار بزازها، حجت‌الاسلام، امامزاده و عبدالعلی بیک است، افزوده شد.

بازار زنجان از نظر تولید و نوع فعالیت به ۸ راسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: راسته زرگرها، کفاش‌ها، بزازها، سراج‌ها و... این بازار دارای راسته‌ها، سراها، میادین، تیمچه‌ها، بازارها، دالان‌ها، مساجد، حمام‌ها، تکیه‌ها است و در خود ۱۰۰۰ باب مغازه جای داده است.

**راسته‌های اصلی**

راسته‌ی اصلی بازار زنجان از خیابان سعدی شروع شده و پس از قطع آن توسط خیابان فردوسی، در خیابان اصغریه به پایان می‌رسد و در حدود یک کیلومتر درازا دارد. در بدو شروع بازار از سمت شرق، دو راسته به موازات یکدیگر شکل می گیرند که هر یک به سراهای مختلفی مرتبط می گردند این دو راسته، راسته امامزاده و راسته عبدالعلی بیک نام دارند.

**راسته‌های فرعی**

تنوع مشاغل و گردش در جهت استقرار صنوف همسان باعث تشکیل راسته‌های تخصصی و فرعی در اطراف راسته اصلی می‌شود که در بیشتر موارد به عرضه نوع خاصی از اجناس یا خدمات اشتغال می یابند. راسته‌های حاج حسن، ترابی، حاج حیدر، انگورانی، صباغ‌ها، رستمخانی و آقاآز جمله راسته‌های فرعی بازار زنجان محسوب می‌شوند. مهمترین شاخه فرعی بازار، راسته حجه الاسلام است که به موازات راسته اصلی به وجود آمده و به قیصریه متصل می‌شود.

**بازار قیصریه**

بازار قیصریه یا راسته قیصریه محل ارائه اجناس ظریف و پر بها است. در حال حاضر قیصریه زنجان محل فروش اجناس لوکس است. موقعیت قیصریه زنجان که از راسته‌های اصلی منشعب می‌شود و آن را به خیابان امام خمینی و سبزه میدان متصل می کند باعث تقویت این محور شده و در حال حاضر یکی از فعال‌ترین محورهای بازار است.

**سراها**

کاروانسراهای بازار زنجان یا به عبارت دیگر سراهای آن از ارزشمندترین عناصر تجاری و معماری این بازار به حساب می‌آیند. سراها غالباً محل استقرار تجارتخانه‌ها بوده‌اند و همگی دارای حیاط مرکزی هستند. نکته مهم در مورد سراها چگونگی ارتباط آنها با راسته و نحوه حرکت در داخل آنهاست.

سراهای ملک، حاج شعبان، حاج فتح الله، حاج جواد، نهالی، شاطر علی، حاج رحمان قربانی، حاج کلبعلی، حاج شامی، بالا و پایین از جمله سراها یک حیاطی بازار زنجان هستند.

**میادین**

در حوالی دروازه‌های شهر، کاروانسراهایی ساخته می‌شدند که برای اطراق کاروان‌های تجاری یا مسافری مورد استفاده قرار می گرفتند. در مجاورت این کاروانسراها در داخل یا خارج شهر میدان‌هایی به وجود می آمدند که محل داد و ستد و مبادلات تجاری بوده‌اند و وجود این میادین باعث می شد تا فروشندگان دوره گرد، روستاییان و بازرگانانی که بین شهرها آمد و شد داشتند بتوانند در این فضاها به خرید و فروش بپردازند.

نزدیکی این میدان‌ها با کاروانسراهای عمده شهر سبب رونق و احیا آنها می شد. نحوه استقرار میادین آهنگران و میدان ورکچی ها در شرق و غرب بازار زنجان در مجاورت کاروانسراهای عمده بازار و شهر زنجان بیانگر نقش این فضاها در کالبد بازار می باشد.

**تیمچه‌ها**

تیمچه‌های بازار زنجان علاوه بر خصوصیات کالبدی ویژه‌ای که دارند از نقاط عطف حرکت‌های پیاده راسته بازار به شمار می روند به عنوان مثال تیمچه‌های چهار دربی در قسمت شرقی بازار، جمع کننده حرکت‌های ورودی بازار و هدایت کننده آن در مسیر راسته اصلی می باشد.

**ویژگی‌های معماری بازار تاریخی زنجان**

گستردگی جغرافیایی بازار از یک سو و تنوع راسته‌ها، تعدد سراها و کاروانسراهای درون شهری در راسته‌های فرعی که هر کدام به نامی و به فعالیتی خاص اختصاص یافته از سوی دیگر، همچنین وجود مساجد فراوان گویای پویایی این مجموعه فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و هنری در طول زمان و به فراخور اوضاع و شرایط حاکم بوده است. هر سمت بازار و هر سرا و رسته‌ای حال و هوای خاص خود را دارد. با توجه به دوره تاریخی بازار زنجان که متعلق به دوره قاجار است شرایط معماری حاکم بر زمان در آن کاملاً نمود دارد. راسته‌ها، حجره‌ها، چهار سوق‌ها، مساجد، سراها و کاروانسراهای درون شهری، گرمابه‌ها به شکل زیبا اجرا شده است. فنون زیبایی که در شکل گیری بازار نقش بی بدیلی بازی می کنند کاربرد انواع طاق و قوس‌های هلالی کاربرد انواع طاق و قوس‌های هلالی، جناغی و ضربی، و گهواره‌ای در راسته‌های اصلی و فرعی است که مزین به آجر...

ادامه در صفحه‌ی ٤

---

### هفت‌حوض

# نهالی که نیما کاشت

حسین نجاری

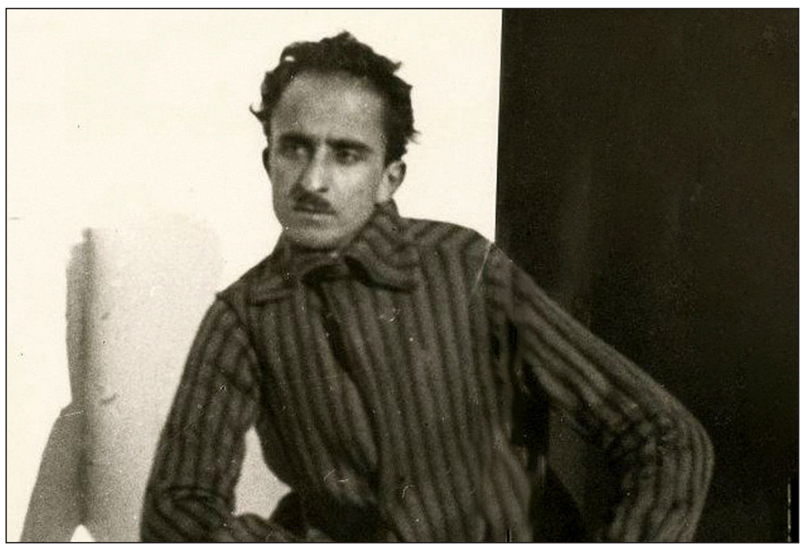

شعر نو فارسی در برابر شعر کهن عرض اندام کرد و از آنجا که در وزن عروضی و قالب از شعر کهن سنتی پیروی نمی‌کند، شعر نو نامیده شد. در حوزه‌ی شکل و قالب، نیما محتوا را مقدم بر قالب دانست. زیرا معتقد بود ذهن شاعر باید بر شکل تسلط داشته باشد نه این که شکل شعر، شاعر را مجبور به گفتن حرف‌هایی بکند که قصد آن را نداشته است. بنابراین قید تساوی طول مصراع‌ها را برداشت. چون نیازی نمی دید شاعر با کلمات مصراع پر کن، مصراعی را مساوی مصراع دیگر کند. (یاحقی؛۱۳۷۵، ۱۰۰)

طبیعی است که در عصر مدرن هیچ چیز نمی‌تواند به صورت امری لایتغیر باشد از این حیث شعر فارسی ایران نیز با تمام جزمیت و تقدس و تحجرش در برابر تحولات اجتناب ناپذیر جامعه‌ی ایران نتوانست تاب بیاورد. شور مشروطه‌خواهی طیف نخبه و طبقه‌ی روشنفکر جامعه‌ی ایران را فرا گرفت، شاعران رسمی حکومتی دو گروه شدند. «عده‌ای در قبال دگرگونی های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مقاومت کردند و در محافل اشرافی و درباری ماندند و به دور از جنجال‌های کوچه به سنت منجمد شده‌ی شعر فارسی چسبیدند و عده‌ای چون «ملک الشعرای بهار»، «ایرج میرزا»، «عارف» و... دربار را ترک گفته و به انقلاب پیوستند. اگر چه همه‌ی این‌ها درک مشترکی از انقلاب و نتیجه‌ی آن نداشتند ولی همه این‌ها در یک مسئله موضع مشترکی داشتند و آن هم روی آوردن به زبان مردم درگیر انقلاب بود. بدین ترتیب به شعر کوچه و بازار روی آوردند و این گرایش، به مرور، جریان نوگرایی را در شعر به وجود آورد.» (لنگرودی، شمس ۱۳۷۰: ۳۴)

«این جریان نوگرایی با حوادث مهمی نظیر جنگ جهانی اول، کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی و سرانجام فروپاشی سلطنت نیمه فئودالی قاجار و انتقال قدرت به خاندان پهلوی، به حدی شتاب پیدا کرد که دیگر سیر و تحول محافظه کارانه، کارایی خود را از دست داد و کسانی که ذوق و قریحه‌ای داشتند، کوشیدند مضمونی جدید در قالب شعر وارد کنند. عده‌ای نیز به فکر انقلاب ادبی افتاده و مدعی تجدید صورت و مضمون اشعار شدند.» (آرین پور، ۱۳۷۵: ۴۲۵)

بعد از جنگ جهانی اول، در قلمرو اندیشه‌ی ادبی مناقشات و کشمکش‌های ریشه‌داری میان دو جناح نوگرا با کهنه پرستان و محافظه کاران روی داد که بر سرنوشت ادبیات ایران تأثیر به سزایی داشت. ملک‌الشعرای بهار در دی ماه سال ۱۲۹۴ خورشیدی، انجمن ادبی کوچکی (که بعدها مجله‌ی دانشکده را منتشر کردند) تأسیس نمود و در مرامنامه‌اش اعلام کرد که قصد و مشی انجمن ترویج معانی جدید در لباس شعر و نثر قدیم و ضرورت اقتباس محاسن نثر اروپایی است. پس از آن یکی از اعضای دانشکده ظاهراً محض نمونه بر اساس اصول پذیرفته شده‌ی انجمن، غزلی به استقبال سعدی در روزنامه‌ای به نام «زبان آزاد» منتشر کرد.

«تقی رفعت» که در آن موقع سردبیر نشریه‌ی نوگرای «تجدد»، چاپ تبریز، بود در جواب‌شان به طنز و کنایه در نشریه‌اش نوشت: «عزیز من، کلاه سرخ ویکتور هوگو را در سر قاموس دانشکده مجوی، توفانی در ته دوات نوجوانان تهران هنوز برنخاسته است.» (لنگرودی، شمس ۱۳۷۰: ۴۵) با پاسخ نرمی که ملک الشعرای بهار به مقاله‌ی رفعت داد، ظاهر قضیه تمام شده تلقی می شد، اما پس از چندی، در دی ماه ۱۲۹۶ خورشیدی، مقاله‌ای به قلم «علی اصغر طالقانی» با عنوان «مکتب سعدی» منتشر شد که نویسنده شدیداً به کلیات سعدی و مرام اعضای انجمن دانشکده حمله کرده بود. این مقاله چنان بلوایی به راه انداخت که دولت ناگزیر شد روزنامه را تعطیل کند. تقی رفعت که منتظر چنین فرصتی بود، طی مقالاتی در نشریه‌ی تجدد نوشت: «...آفرین، این عصیان لازم بود. انقلاب سیاسی ایران محتاج به این تکمله و این تتمه بود...» (لنگرودی، ۱۳۷۰: ۴۵)

در همین گیر و دار، شماره‌ی اول مجله‌ی دانشکده منتشر شد. بهار در آن مجله نوشت: «ما هنوز جسارت نمی کنیم تجدد را تیشه‌ی عمارت پدران شاعر و نیاکان ادیب خود قرار دهیم...(همان) و رفعت در شماره‌ی ۱۲۵ نشریه‌اش نوشت: «ای جوانان دانشکده!... تجدد به مثابه‌ی انقلاب است و انقلاب را نمی‌شود با قطره شمار مانند دارو به چشم ریخت. بر ضد جریان آب شنا کنید... تابوت سعدی گاهواره‌ی شما را خفه می کند... در زمان خودتان، آن استقلال و تجدد را به خرج دهید که سعدی‌ها در زمان خودشان به خرج دادند...(همان) همچنانکه که می‌بینیم تقی رفعت بسیار آوانگاردتر از دیگران در پیِ پی‌ریزی تجدد ساختمان ادبیات و جامعه بوده و درکِ دقیق و درست‌تری از فرایند مدرنیته داشته در حالی که تلقی بهار و بارومندانش از تجدد، تلقی توسعه نیافته‌ای بوده و با واقعیت‌های جامعه شناسانه‌ی دنیای اندیشه و جهان مدرن وفاقی نداشته است. چه کسی گفته تجدد به معنای از دست دادن هویت فرهنگی و تقلید کورکورانه از دیگران است؟ مگر کشورهای غربی که متجدد هستند هویت فرهنگی و ارزش های اجتماعی–اخلاقی خود را از دست داده‌اند؟ تجدد ترجمه و ترجمان مدرنیته است و مدرنیته مقوله‌ای است فلسفی که در غرب پدیدار شد و هدف آن دستیابی به طرز تفکری تازه است. نگاهی دوباره به زمان و مکان و ماده. بنا بر این نمی‌توان آن را به منزله‌ی تیشه زدن به عمارت پدران پنداشت. اساساً تجدد در مسیر جهانی شدن قرار دارد، به عبارتی تجدد، جاده‌ی ترانزیتی است که رفت و آمدهای جهانی در بستر آن جریان دارد و عده‌ی زیادی همچنان مواهب چنین فرصتی را درک نمی کنند. میلان کوندرا می گوید: «مدرنیته از زمانی آغاز شد که دون کیشوت، خانه و شهرش را در جستجوی جهان ناشناخته ترک کرد و پس از گشت و گذارهای بسیار دریافت آن چه که در شهر خود فرا گرفته بود با آن چه که در جهان می گذشت تفاوت داشت». او در آرزوی طرحی نو و جهانی تازه بود. او را خیالباف دانستند و شمشیرش را چوبین خواندند، اما از گرمای شور و شوق او کاسته نشد. او شک و کنجکاوی و جستجو و در نتیجه کشف را به ما آموخت. شک و کنجکاوی از پایه‌های اصلی مدرنیته هستند و این همان راهی است که دکارت رفت و «شک متدیک» را مطرح کرد. بنا بر این نیما نیز دون کیشوت‌وار در جستجوی جهانی تازه بود که مورد مضحکه‌ی سنتی های کهنه گرا قرار گرفت و دریغا که همیشه‌ی تاریخ، افراد پیشرویی که در قلمرو آگاهی های برتر قرار می گیرند همواره از ناحیه‌ی جاهلان مرتجع و سینه چاکان کم‌خرد مورد طنز و تمسخر واقع می‌شوند، این از شوخی‌های مرسوم روزگار است که جاهلان خود را اجل از دانایان روزگار می‌دانند. به تعبیر دکتر شفیعی کدکنی: «گه ملحد و گه دهری و کافر باشد/ گه دشمن خلق و فتنه‌پرور باشد/ باید بچشد عذاب تنهایی را/ مردی که ز عصر خود فراتر باشد.» (ستاره دنباله‌دار، رباعی شماره ۵۳) اما پیشاهنگان هر عرصه و صحنه‌ای با علم و آگاهی به شناخت پیشروانه‌ی خود، هوشمندانه در پی اهداف و آرمان‌هایشان می‌روند و دست از طلب بر نمی‌دارند. از این منظر نیما نیز با همه‌ی نارواییها بار خود را برد و کار خود را کرد. البته همچنان باید تاکید نمود که نیما با تکیه بر آموزه‌های اسلاف خویش به ویژه تقی رفعت به تکوین جهان‌بینی خود برخاست. اگرچه رنسانس فکری رفعت و کسمایی و... هم منبعث از جرقه‌های مدرنیته در جهان اندیشه‌ی غرب است که به عرصه‌ی ادبیات فارسی سوق داده شد. بنا بر این آن‌ها به تأسی از جریان شعر بیرونی و تجدد خواهی درونی به چنین موقعیتی دست یافتند که در اقتفای آن‌ها نیما با قدرت و فرصت بیشتری ظهور کرد و این شیوه را تبدیل به یک جریان متجددتر و ماندگارتر در ساحت ادبیات فارسی نمود.

صدالبته ترجمه‌ی صادق هدایت از کافکا و ژان پل سارتر و نیز آشنایی نیما به زبان فرانسه، در تحول ادبیات آن روزگار ایران تأثیر به سزایی داشت. اساساً تفکر متجدد ما منبعث از ترجمه و تعامل فرهنگی، سیاسی ما با دنیای مدرن و به ویژه با جهان غرب است. اگر چه به تعبیر جهانبگلو بیش از پانصد سال است روح ایرانی که زمانی از عظمت سیاسی و فرهنگی به سزایی برخوردار بود به حاشیه‌ی تاریخ جهان رانده شده است. در طی این پانصد سال روح ایرانی در خواب جزم گرایانه‌ای فرو رفته که هنوز هم در رویارویی با روح مدرن به کمال بیدار و هوشیار نشده است. به همین دلیل تا به امروز روح ایرانی برای ارزیابی معیارها و هنجارهای خود فقط نگاهی از درون به خود داشته است. بدین گونه روح ایرانی همواره نگاه فرهنگ‌های دیگر (به ویژه غرب) به خود را به منزله‌ی تهاجم به ارزش های اخلاقی خود سنجیده است. از این منظر هرگونه اندیشه‌ی انتقادی مورد طرد و رد قرار گرفته است. ولی وضعیتی که امروزه روح ایرانی در برابر آن است از بسیاری جهات مستلزم موقعیت فلسفی و هستی شناسی نوینی است. بی شک قرار گرفتن روح ایرانی در عرصه‌ی اندیشه و کنش جهانی مستلزم نگاهی انتقادی به روش‌ها و بینش هایی است که آن (روح ایرانی) را از شرکت در روح جهانی باز می‌دارند. زیرا برای جهانی بودن بایستی به تعبیر آرتور رمبو «مطلقاً مدرن» بود. مدرن بودن یعنی داشتن شیوه‌ای خاص از نگرش به جهان و انسان و جامعه‌ی انسانی. و نیما نیز با درک این واقعیت مهم دریافته بود که برای گذر از جهان قدیم به جهان مدرن باید از ذهنیتی حاشیه‌ای و جزئی به ذهنیتی کلی و جهانی رسید و بر اساس چنین نگاه و نگره‌ای دست به تغییرات بنیادی در شعر کهن فارسی زد و از این رهیافت نه تنها سیمای شعر فارسی را متحول کرد و از قواعد شعر کلاسیک فاصله گرفت بلکه به لحاظ محتوایی نیز نفس تازه‌ای در کالبد آن دمید. بدین ترتیب شعر فارسی هم از نظر فرم و شکل به تغییر ترقی خواهانه تن داد و هم به لحاظ متن و محتوا دستخوش دگرگونی و دگراندیشی شد و این سرفصل جدیدی در حیات متجدد شعر فارسی بود. همانگونه که هدایت با آموزه‌های نوگرایانه‌ی خود ادبیات داستانی ما را متحول ساخت، نیما نیز در شعر به چنین جهان والایی دست یافت. در واقع صادق هدایت و نیما یوشیج دنیای نثر و نظم ما را با معیارهای مهندسی مدرنیته، معماری کردند.

اساساً ریشه‌ی تغییر نگرش معاصر را باید در تغییر نگرش نسبت به انسان جستجو کرد. انسانی که قرن‌ها اسیر سرنوشت و مقهور تقدیر بود چنان به قدرت و توانایی خویش ایمان می‌آورد که می‌گوید: انسان خداست. اگر چه حلاج و سایر متصوفه هم همین را می گفتند اما سخن آن‌ها نه بر پایه‌ی عقل مدرن که بر پایه‌ی عرفان و تصوف استوار بود! عرفان از شناخت خود عاجز است، چون تکیه به سنت دارد و سنت از شناخت خود ناتوان است. این مدرنیته است که به سنت می گوید جای تو این جاست. بخش هایی از آن را جدا می کند و با خود همراه می سازد. مارسل پروست می گوید: غریزه از هوش و خرد، مهم‌تر است اما این خرد است که به غریزه می گوید مقاوم اول از آنِ توست. بر همین سیاق باید گفت این مدرنیته و عقلِ مدرن است که جان و جهان انسان معاصر را بازسازی می کند و به آن بهایی بالاتر از آن می دهد که در طول تاریخ داشته است. انسان مدرن خود را در تکوین و تکامل جهان هستی دخیل می‌داند. اساساً انسان با به چالش کشیدن جهان هستی از ناشناخته‌های آن رمزگشایی می کند و به تکوین آن می‌پردازد. از این منظر اگر گفته شود بهشت نه شهری برای عصیان است و نه آزمایشگاهی برای مکاشفه، نه عشق را بر می تابد و نه مجالی برای تطاول و تاخت و تاز اندیشه می دهد، سخن گزافی نخواهد بود. می توان گفت انسان برای رسالتی بی‌پایان به زمین تبعید شد تا جهان هستی را عصیانگرانه بکاود، بدین ترتیب می توان گفت زمین بهشتِ آدمی است. باری عصیان در بهشت بهانه‌ای بود تا انسان برای سفری تاریخی و اکتشافی به زمین تبعید شود و به تکوین جهان بپردازد. در نهایت می توان گفت بهشت سرا و سزای انسان نبود و حکمت اخراج آدمی از آنجا نیز در همین نکته‌ی باریک نهفته است. مارسل دوشان؛ نقاش و مجسمه‌ساز فرانسوی می گوید: اثر خلاق را هنرمند به تنهایی به وجود نمی آورد، بلکه بیننده نیز با رمزگشایی و تعبیر کیفیت‌های درونی اثر، آن را با دنیای بیرون پیوند می دهد و به این ترتیب سهم خود را به کار خلاقه اضافه می کند. بر اساس این نگاه و نظر نیز می توان نقش انسان را در تکوین و تکامل هستی فهم نمود. انسان، به جهان، چیزهایی را اضافه می کند که به تکامل آن در طول تاریخ منجر می شود.

در نهایت باید گفت انسان امروز نقش خود را در بحث آفرینش درک کرده و می خواهد به سهم خود اثری در عرصه‌ی هستی داشته باشد و این منبعث از ذهن و عقل مدرن است. همچنین شهر، یکی از مراکز مهم مدرنیته در جامعه‌ی مدرن است. در دوره‌ی مدرن و مدنیت متکی بر آن، فرهنگ سنتی انسجام گرا و همگن، دچار بحران شده و بافت‌های آن آسیب می‌بیند. شعر سنتی و کلاسیک ما ایرانیان نیز به یک معنا باز نمایی الگوی جامعه‌ی پیشامدرن ماست، با هارمونی و انسجام وزن و آهنگ شعر کلاسیک، بازنماییِ ساختار منسجم و هماهنگ دوره‌ی پیشامدرن و سنتیِ جامعه‌ی ایران است، در حالی که شعر نو کلاً مربوط به جامعه‌ی مدرن است. انسان چهل تکه‌ی پست مدرن، در زیست جهان‌های مختلف، با تکثر هویتی. با چنین درک و دریافتی نیما به عصیان برخاست و نظم بزم گذشته‌گرای عصر خویش را بر هم زد. وقتی نیما به تدوین و تکوین نظریه‌ی ادبی خود می پرداخت سنت‌گرایان و وفاداران گذشته‌گرای شعر فارسی که باورها و آرمان‌های خود را در آستانه‌ی بحران و فروپاشی می دیدند با راه‌اندازی موجی مرتجعانه می گفتند: شعر فارسی به عنوان اصیل ترین نشانه‌ی فرهنگی و تاریخی ایران در معرض نفوذ بیگانگان قرار گرفته است. از نظر آنان شعر نو نشانه‌ی تسلیم فرهنگی در برابر خارجی‌ها بود و به زودی روح فرهنگ ایرانی را نابود خواهد کرد. (کریمی حکاک، ۱۳۹۴: ۲۳) سنت‌گرایان در حقیقت معتقد بودند که نیما و پیروانش با این سنت آشنایی ندارند و حتی نیما را به مرگ تهدید کردند. (همان)

نکته‌ی قابل توجه این است که ملک‌الشعرای بهار در نامه‌ای به نیما او را دیوانه خطاب کرد و... خیلی از افراد نیمه روشن آن روزگار هنوز در برابر تغییرات ساختاری مقاومت می کردند زیرا ذهن آن‌ها با اسالیب و الگوهای کهن اتوپیک شده بود و درک و استقامت نیما روی اهداف و آرمان‌هایش برای خیلی از سنت‌گرایان قابل هضم نبود. همانگونه که اشاره شد او همسفر ادبی صادق هدایت بود و در دنیایی که مَرکَب مردم و متفکران سنتی، ستوران خسته و خنگ بود او بر کالسکه‌ای نشسته و افق‌های جدیدی را برای کشف‌های ادبی می شکافت. هدایت در اوج تحولات ادبی هنری در فرانسه دور میزی که مقابلش پیکاسو و آن طرف‌ترش دالی نشسته بود می نشست و... نیما نیز در برابر جماعتی که تن به نوگرایی نمی دادند با تمام قد ایستاده و بر صور تجدد خواهی خود می دمید و همین اصرار و استمرار باعث شد خیلی ها که پشت سرش و یا حتی رو در روی نیما لیچار بارش می کردند اظهار شرمساری کنند و ادیبی چون بهار نامه‌ای در باب عذرخواهی از نیما بنویسد.

البته نیما این حقیقت را هم دریافته بود که یک شبه نمی‌توان شعر را از استبداد هزار ساله‌ی عروض آزاد کرد، بنابراین به کلی از عروض فاصله نگرفت. او وزن و قافیه را حفظ کرد اما دست شاعر را در استفاده از آن باز گذاشت و بعد از تلاش و تجربه‌های شعری پراکنده، در سال ۱۳۰۱ «افسانه» را منتشر کرد. این شعر غنایی بلند هر چند از لحاظ بیان و نوع نگرش به زندگی و طبیعت از تازگی برخوردار بود اما از لحاظ ساختمان و موسیقی شعر تازگی چندانی نداشت.

با اینکه جامعه‌ی ایران در زمان ظهور نیما، در رویارویی با روح مدرن چندان بیدار نشده بود و در مرحله‌ی گذار قرار داشت اما دگراندیشان و متجددانی بودند که بر طبل تجددخواهی جامعه‌ی ایران می کوفتند. بنابراین شعر نیمایی ویژگی های دوره‌ی آستانه‌ای و دوره‌ی گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی مدرن را دارد و در زمانی سروده شد که هنوز ما گذشتگان‌مان را درک می کردیم. اشعار نیما سر و صدای بسیاری در جامعه‌ی ادبی ایران به پا کرد و مخالفان و موافقان بسیاری برانگیخت. البته شمار مخالفان بیشتر بوده و سرسختی بسیار به خرج می دادند، اما نیما با درک و شهامت و شکیبایی به کار خود ادامه داد و در نهایت توانست این نوع شعر را به پی ریزی کرده و برای آن هویت ادبی–اجتماعی تاریخی کسب کند.

در نهایت نیما در سال ۱۳۱۶ با سرودن «ققنوس» شعر فارسی را شکل و بیانی تازه بخشید. این قطعه شعر، هم از قید تساوی و قافیه سنتی آزاد بود و هم تخیل و شکل ارائه‌ی آن با آن چه در شعر گذشته‌ی فارسی مطرح بود، متفاوت بود. نیما در شعر «ققنوس» سرگذشت خود و شعر گرفتار فارسی را در قالب تمثیلی بیان کرده است و با این شعر، سرودن شعر تمثیلی در بین شاعران رایج شد:

ققنوس،
مرغ خوش خوان آوازه‌ی جهان
آواره مانده از وزش بادهای سرد
بر شاخ خیزران
بنشسته است فرد
برگرد او به هر سر شاخی پرندگان
او ناله‌های گم شده ترکیب می کند
از رشته‌های پاره‌ی صدها صدای دور
در ابرهای مثل خطی تیره روی کوه
دیوار یک بنای خیالی
می سازد.
... ناگاه چون به جای پر و بال می زند
بانگی برآرد از ته دل سوزناک و تلخ
که معنی‌اش نداند هر مرغ رهگذر
آنگه ز رنج‌های درونیش مست مست
خود را به روی هیبت آتش می افکند
باد شدید می دمد و سوخته است مرغ
پس جوجه‌هاش از دل خاکسترش به در!
(سیروس طاهباز، ۱۳۸۳: ۷۸)

نمونه‌ای دیگر از شعر نیما:

...تو را من چشم در راهم شباهنگام
که می گیرند در شاخ «تلاجن» شاخه‌ها رنگ سیاهی،
وز آن دلخستگانت راست اندوهی فراهم،
تو را من چشم در راهم،
شباهنگام در آن دم که بر جا دره‌ها چون مرده ماران خفتگانند،
درآن نوبت که بندد دست نیلوفر به پای سروکوهی دام،
گرم یادآوری یا نه،
من از یادت نمی کاهم،
تو را من چشم در راهم.
(سیروس طاهباز، ۱۳۸۳: ۲۰)

نیما یوشیج با مداقه و نقد هوشمندانه در فرهنگ معنایی شعر کلاسیک به این نتیجه رسید که شعر کلاسیک با چند عامل نیاز به تغییر دارد. نخست دست و پاگیر بودن شعر کلاسیک در جهت نیل به بار معنایی و محتوایی بود ۲–عدم آزادی تخیل ۳–محدودیت گزینش واژه‌ها در شعر کلاسیک با توجه به محدودیت فضا ۴– باز کردن فضایی در کلام تا شاعر بتواند با اوضاع و شرایط اجتماعی حال و آینده کلامی عمیق داشته باشد.

لذا در این رهگذر نیما یوشیج درصدد برآمد در مقابل سنت شعر فارسی و پاسداران واپسگرای آن بایستد. در مقابل شعر فارسی، شعری که در طول قرون متمادی بنا بر تعریف خاص خود جلودار بود و اکنون اگر بخواهد منتقد پیدا کند، برای طرفدارانش قابل فهم و هضم نبود. نیما یوشیج معتقد بود که شعر باید دارای آزادی تخیل باشد. شعر باید دارای زبان و بیانی مستقل و پیش رونده باشد. همینطور نیما معتقد بود بین زبان و بیان دستوری با زبان و بیان شعری فاصله‌ای است. همچنین نیما می‌دانست که زبان شعر باید از آن خاصیت استاتیک و انجمادی خودش به زبانی پویا و معاصر دست یابد. نیما فضا سازی در شعر و نفس کشیدن مصراع‌ها را بدون رعایت قافیه و اختیاری بودن در گزینش قافیه را در شعر به طوری که در هر جایی که بتواند بنشیند، لازم می‌دانست. دیگر فاکتور شعر نو که نیما بر آن تأکید مؤکد داشت توجه به زبان معمول بود، او استخدام واژه‌های معاصر و مردمی را در شعر بسیار مهم می‌دانست و تکیه‌ی تام و تمام به زبان ضخیم و فخیم و آرکاییک شعر گذشته‌ی فارسی را جایز نمی‌دید.

---

### کافه نادری

## ساغلام یئمه‌لی‌لر

### (اوشاق نمایشنامه‌سی)

یازار: وصفات انوس
عربجه‌دن ترجمه: سایان ذبیحیان

آریق اوشاق: بدنینی گوجلو ائتمک اوچون نه یئییرسن احمد؟

گوجلو اوشاق: من ساغلام یئمکلر یئییرم و اونلار منیم دوستوملور.

آریق اوشاق: نئجه ساغلام یئمکلر سنین دوستوندور؟

گوجلو اوشاق: ساغلام یئمکلر بیر گروهدولار.

آریق اوشاق: اولار منی ده او دوستلارینلا تانیش ائدسن؟

گوجلو اوشاق: بلی، بویرون دوستلاریم..

(میوه‌لر صحنه‌یه داخیل اولور)

–بیز میوه‌لر گروهویوق

من پرتقالام، ترکیبیمده ...ج ویتامینی وار، منی یئسن جیسمینه فایدالی اولارام.

منده چیله‌یم، منیم ترکیبیمده... ج ویتامینی وار، منی یئسن سنه انرژی باغیشلایارام.

–بیز تره‌لر (سبزیجات) گروهویوق

من گؤجه‌یم، منیم ترکیبیمده آ–... ویتامینی وار، منی یئسن جیسمینه فایدالی اولارام.

منده یئرکؤکویم، منیم ترکیبیمده آ–... ویتامینی وار، منی یئسن گؤزلرینی قوّتلی ائلرم.

–بیز اَت گروهویوق

منیم ترکیبیمده پروتئین وار، توخومالاری (بافت سلولی) قورورام، بدنینی هر زامانکیندان داها گوجلو ائدرم.

منده بالیغام، منیمده ترکیبیمده دمیر وار، منی ده هر زامان یئسن جیسمینه بدنینه فایدالی اولارام.

–بیز سود گروهویوق

من سوتم، منیم ده ترکیبیمده کلسیم وار، دیشلری و سوموکلری گوجلندیررم.

منده پنیرم، منده جیسمه فایدالی یام، منیمده ترکیبیمده یاغلار وار.

آریق اوغلان: بیزه چوخلو نعمت باغیشلایان الله شکر اولسون.

سئویملی آنام، منه لطف ائله بو یئمه‌لری منیم اوچون فراهم ائله.

(بو نمایشنامه‌ده دیز این اوچون شاگیردلرین سینه سینه تعیین اولونان یئمه‌لی شکیل لری سانجاقلانابیلر)

* * *

## قاری ننه‌نین حیکایه‌سی

### (اوشاق ادبیاتی)

سایان ذبیحیان

بیری وار ایدی، بیری یوخ ایدی، کؤی‌لرین بیریسینده بیر قاری ننه، و اونون یانیندا بیر قیزی و بیر اوغلو یاشاییردی.

ایلین باشلانیشیندا قاری ننه‌قیزین چاغیریب دئییر:

–قیزیم من دای اؤلورم، یئتیشه‌نیم یوخدو، قوجالمیشام... گل منیم اؤزومه یئتیش، ائوائشیک ایشلریمی گؤر.

–قیز دئیر: من ائلیه بیلمرم ننه، من دای اره گئدیرم..!

قاری ننه گؤرر قیزدان داها فایدا یوخ، گئدر اوغلانین سوراغینا.

قاری ننه، اوغلونو چاغیراردئییر:

–اوغلوم من دای اؤلورم، هئچ نه‌یه گوجوم قالماییب، قوجالمیشام... گل منیم اؤزومه یئتیش، ائوائشیک ایشلریمی گؤر.

–اوغلان دئییر: من ائلیه بیلمرم ننه، من دای ائوله‌نیرم..!

گونلر آی‌لار گلر سووشار، قیش گلر قار کولک توتار قاپی‌نین قاباغینی:

«نه قیز اره گئدر، نه اوغول ائولنر، نه قاری اؤلر.»

* * *

## اولسم‌ده فسیللا تمالی یام

احمد صادقی

اوقاتیم یوخدو بیر آز مئ یوخاری آتمالی یام
اونو آتسام یئخیلیب داش کیمی دای یاتمالی یام
یوخو سوزلوق منی اولدوردو آخی آی اولولر
هرنه جوردور اوزومو بیر بالا یوخلاتمالی یام
فرهادین قازماسینین نه ساپی وار دیر نه باشی
ظالمین کوکسونه باشدان اونو ساپ لاتمالیام
بیزیلن دوز دیمه دی ایری بوروق چرخ فلک
ایئلن چرخین اونون بیرده فیریللاتمالی یام
بازاری داغدی بو گونلرده ریانین، یالانین
چوخ نیاز اولسا بیر آز منده ریا ساتمالی یام
آخرت ده دئییر هیچ زاد سنه یوخ آغلاماسان
هر بهانئیله اولوب، کیپریکی ایسلاتمالی یام
ظالمین بورجونا باخسان دوشه جکدیر پاپاقین
نیچه یئردن اونو من کلله ده باغلاتمالی یام
برده لر قوزادی اوچ تون داشی، ظولمون گوجونه!
یوخساهاردان اوقالین داشلاری لاخلاتمالی یام
دئدیم آرواد بو آشین هامیسی دوزدو کی جانیم
دیدی دوز بیرده دیسن اوز گوزو تورشاتمالیام
دوز سوزون مشتریسی یوخدو بو ایراندا جانیم
سؤزومه بیر بالاجا من ده چاخان قاتمالی یام
بیری قویموشدو اوتا تریاکی گوردوم کی دئییر
تاچیخیبنجاق شیره‌سی من اونو قاینا تمالی یام
شیره‌سی چیخسادئدیم آغزیوا، آرواد بوشانار
بوشانیب دیر دئدی، بیر آیری سین آلاتمالی یام
دیدیم آلاتما اوزون ، ترک ایله بو زهر ماری
دیدی اولماز بونو اولسم ده فسیللا تمالی یام
آیری شاعیرلره دوستوم دیدی سن اوخشامیسان
دیدیم اوخشاتسان اگر صابیره اوخشا تمالی یام
(تای دیشیک کیتابیندان)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرامرز نجّاری
رییس شورای سردبیری: حسین نجّاری
لیتوگرافی امیر، چاپ: کتیبه
نشانی: زنجان، خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای خیابان انقلاب اسلامی، پلاک ۲۳۴
تلفن: ۳۳۵۶۸۶۷۰ ، کد پستی: ۴۵۱۸۸۳۶۷۷۹

هفتگی مطبوعه
موج بیداری

# شکست اردوغان در انتخابات شهرداری‌های ترکیه چگونه رقم خورد؟

یاران اردوغان در انتخابات شهرداری‌ها شکست خوردند. برای اولین بار در دو دهه گذشته، حزب عدالت و توسعه جایگاه نخست را از دست داده و از حیث میزان رأی، دومین حزب ترکیه‌است.

انتخابات شهرداری‌های ترکیه پایان یافت و مردم حاضر نشدند یک بار دیگر به شهرداران حزب حاکم اعتماد کنند. مردم ترکیه با مشارکت ۷۷ درصدی در انتخابات دیروز، پایین‌ترین میزان مشارکت در ۲۰ سال گذشته را ثبت کردند. گفته می‌شود که تورم و نارضایتی از عملکرد دولت و حزب حاکم، مهم‌ترین عامل مشارکت پایین بوده‌است.

پیروزی مخالفین در این دوره از انتخابات شگفتی ساز شد و حالا شرایط به نفع اردوغان و کابینه او نیست. چرا که با وجود آنکه دولت و اکثریت کرسی های پارلمان را در اختیار دارد اما یک بار دیگر در آنکارا و استانبول شکست خورده و در چندین شهر مهم و استراتژیک دیگر، شهرداری‌ها را به مخالفین واگذار کرده‌است.

شکست نامزدهای مورد حمایت حزب اردوغان در آنکارا، استانبول، ازمیر، آنتالیا، مرسین و چندین استان دیگر، باعث شد که حزب جمهوری خلق به عنوان قدیمی‌ترین حزب ترکیه یا قدمت صد و یک ساله، یک بار دیگر خود را در جایگاهی ببیند که مدعی کنار زدن حزب حاکم و رسیدن به قدرت شود.

**حزب اردوغان در سراشیبی**

حزب عدالت و توسعه یا آکپارتی، توسط گروهی از شاگردان غربگرای حزب اسلامگرای فضیلت تشکیل شد. یعنی همان شاگردان تجددخواه نجم الدین اربکان، که برخلاف مشی سیاسی رهبر خود، تمایل داشتند تا یک قرائت لیبرالی از اسلام سیاسی را پیش ببرند. این گروه به رهبری افرادی همچون عبدالله گل، رجب طیب اردوغان، بلنت آرنچ و دیگران، پس از جدایی از صف یاران اربکان، در سال ۲۰۰۱ میلادی حزب جدید را تأسیس کرد و در سال ۲۰۰۲ میلادی، با کسب اکثریت آرا، به تنهایی دولت را تشکیل داد. حزب مزبور، همواره در ۲۲ سال گذشته، قدرت را به صورت یک قبضه در اختیار داشته و عنوان «حزب اول کشور» را یدک کشیده است. اما حالا برای اولین بار در دو دهه گذشته، حزب عدالت و توسعه جایگاه نخست را از دست داده و از حیث میزان رأی، دومین حزب ترکیه است.

حزب جمهوری خلق توانست در انتخابات شهرداری‌ها ۳۷.۷۴ درصد از آرای مردم را کسب کند و اول شود و حزب عدالت و توسعه نیز با کسب ۳۵.۴۹ درصد آرا دوم شد. این در حالی است که در انتخابات سال ۲۰۱۹ میلادی ۴۳ درصد از آرای مردم ترکیه به حزب اردوغان و ۲۶ درصد از آرا به حزب جمهوری خلق تعلق گرفته بود.

حزب عدالت و توسعه دیروز توانست کلید ۵۰۵ شهرداری ترکیه را به دست آورد اما در سال ۲۰۱۹ میلادی ۸۱۸ شهرداری را به دست آورده بود! تعداد شهرداری‌های حزب جمهوری خلق در انتخابات دیروز به عدد ۴۲۰ رسید اما در سال ۲۰۱۹ تنها ۲۳۲ شهرداری را در اختیار داشت. البته ذکر این نکته ضروری است که درصد رأی، الزاماً تعیین کننده تعداد شهرداری‌ها نیست و ممکن است یک حزب با درصد پایینی از آرا چندین شهرداری شهرهای کوچک را در اختیار بگیرد اما یک حزب دیگر ناچار شود برای به دست آوردن شهرداری یک شهر بزرگ و مهم، رأی چند میلیونی بگیرد. اما در یک ارزیابی کلی، از حیث اهمیت شهرداری های ۸۱ استان ترکیه، با چنین تابلویی مواجه هستیم:

۱. تعداد ۳۰ شهرداری از ۸۱ استان ترکیه، عنوان مهم کلانشهر را دارند که دارای بودجه و اعتبارات بالایی هستند و پیروز شدن در آنجا برای همه احزاب مهم است. از تعداد ۳۰ شهرداری کلانشهر ترکیه، ۱۴ شهرداری به حزب جمهوری خلق رسید، حزب عدالت و توسعه ۱۲ شهرداری را برد، ۳ شهرداری سهم کردهای مخالف اردوغان شد و ۱ شهرداری هم به حزب جدیدالتاسیس فرزند نجم الدین اربکان تعلق گرفت.

۲. از جمع ۵۱ شهرداری مرکز استان باقیمانده، تنها ۱۲ شهر به یاران اردوغان رسید، شریک اردوغان یعنی باغچلی ۸ مرکز استان را گرفت، ۷ شهر به کردها رسید، ۲۱ شهر به حزب جمهوری خلق تعلق گرفت و ۳ شهر نیز به احزاب دیگر تعلق گرفت.

۳. مخالفین اردوغان در حزب جمهوری خلق، توانستند از مجموع ۹۷۳ شهرستان ۳۳۷ شهر را ببرند و از ۲۷۲ ناحیه نیز ۴۸ مورد را در اختیار گرفتند.

تحلیلگران ترکیه معتقدند که استعفای کمال کلیچدار اوغلو از رهبری حزب جمهوری خلق و سپرده شدن این مسئولیت حساس به سیاستمدار جوانی به نام اوزگور اوزل، نقش مهمی در پیروزی این حزب قدیمی ایفا کرده است چرا که اوزل، ارتباطات وسیعی با طیف‌های مختلف مردم برقرار کرده و جوانان ترکیه، توجه ویژه ای به او و اکرم امام اوغلو نشان دادند.

**اردوغان در برابر دو معضل بزرگ**

حالا حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان، در برابر دو معضل بزرگ قرار گرفته است:

۱. از سویی با بحران اقتصادی بزرگی روبه‌روست و در عرض ۱۰ ماه گذشته یعنی در سومین دوره ریاست جمهوری او، دلار از ۲۰ لیره به ۳۲ لیره رسیده و تورم، میلیون‌ها شهروند ترکیه را به ستوه آورده است.

۲. نتایج انتخابات شهرداری‌ها و سقوط به جایگاه دومین حزب ترکیه، عملاً مشروعیت و اعتبار حزب را به چالش کشیده است

در این انتخابات آکپارتی متحمل سنگین‌ترین شکست تاریخ ۲۳ ساله خود شد. حال باید دید شکست سنگین حزب عدالت و توسعه در انتخابات محلی، تا چه اندازه بر روند تحولات سیاسی ترکیه تأثیر می گذارد.

**برگرفته از خبرگزاری مهر**

# آیا اردوغان رفتنی است یا راه دوباره‌ای خواهد یافت

خیلی از شکست اردوغان در انتخابات شوراها و شهرداری‌های ترکیه ذوق‌زده نشوید و زود به این نتیجه نرسید که: «اردوغان رفتنی است». فاصله‌ی دو رقیب از هم کم است. نه پیروزی چشمگیری در کار بوده، نه شکست چشمگیری. چندین دوره است نتیجه انتخابات همین بوده اما اردوغان همچنان در قدرت مانده. تا انتخابات بعدی چهار سال مانده. زمین گرد و خدا بزرگ است. اردوغان هر بار راه ماندن در قدرت را پیدا کرده. تا چهار سال دیگر هم پیدا می کند.

نخست آن که باید گفت دلیلی ندارد ایرانی‌ها از شکست اردوغان شادمان باشند. به‌عکس، شکست او باید مایه نگرانی ایرانیان باشد.

خبرنگاری نوشته است خرداد سال گذشته که انتخابات مجلس و ریاست جمهوری ترکیه را در این کشور دنبال می‌کردیم، پس از پایان رأی‌گیری به دفتر مرکزی حزب جمهوری خلق رفتم که دبیرکلش رقیب اصلی اردوغان بود. میان عده‌ای که آنجا جمع بودند، صدای خانم و آقایی به گوشم خورد که می کوشیدند با انگلیسی دست و پاشکسته‌ای چیزی را به کارکنان حزب بفهمانند و موفق نمی شدند. از لهجه‌شان پیدا بود ایرانی‌اند. نزدیک شدم و پرسیدم چه می خواهید بگویید تا من ترجمه کنم. خانمه گفت: ما او مدیم رأی بدیم. کارت ملی ترکیه را به دست گرفته، به کارکنان آنجا نشان می‌داد و می گفت: وی هَو بولو کارت، وی هَو بولو کارت. منظورش این بود که کارت ملی کبود رنگ دارد و شهروند ترکیه است. گفتم خانم اولاً دو ساعت است رأی گیری تمام شده، در ثانی اینجا باید مدت‌ها قبل از انتخابات ثبت‌نام کنی و بروی در حوزه‌ای رأی بدهی که برایت تعیین شده، مثل ایران نیست که شناسنامه‌ات را برداری ببری هر جا دلت خواست رأی بدهی. ثالثاً کجای دنیا برای رأی دادن می‌روند دفتر حزب رأی می‌دهند؟ گفت آخه می‌خواهیم به آقای کیلیچتاراوغلو رأی بدیم (منظورش کمال قلیچدار اوغلو بود). بعد رو کرد به جمع و گفت: اردوغان نو، نو اردوغان. گفتم آبجی، شما تو ایران می خواستی مثلاً به روحانی رأی بدی، می‌رفتی ستاد روحانی رأی می‌دادی؟ وانگهی این «بولو کارت» را همین اردوغان دست شما داده. قلیچدار اوغلو لنگه کفش کهنه هم دست ایرانی‌ها نمی دهد. یکی از دلایلی که ملت دارند به او رأی می‌دهند این است که چرا «بولو کارت» داده دست شماها.

هم‌میهنان عزیز عنایت ندارند که حاکمیت اردوغان و حزبش بهترین اتفاق برای ایرانیان است. از دولتیِ سرِ اردوغان بوده که خیل عظیمی از ایرانیان که به هیچ جای دیگری نمی توانند مهاجرت کنند، در ترکیه ساکن شده و کار و کاسبی دارند. کجای دنیا با قرارداد اجاره خانه به شما اجازه اقامت می دهند؟ کجای دنیا می توانستید با خرید خانه، شهروند کشوری بشوید، بی آنکه حتی در آن کشور مقیم باشید؟

با همین خریداری حق شهروندی است که تعداد زیادی بازرگان ایرانی توانسته‌اند از تحریم‌های بانکی مصون بمانند و چرخ صادارات و واردات ایران را بچرخانند. درست است که عده‌ای با استفاده از همین ترکیه است که تحریم‌ها را دور می زنند اما فراموش نکنیم آنکه از تحریم‌ها آسیب می‌بیند، شهروند ایرانی است. بخش خصوصی است که بیشترین زیان را می بیند و همین بخش خصوصی هم به مدد استفاده از امکانات ترکیه می تواند به حیات خود ادامه دهد. اردوغان برود، همه این امکانات می‌رود.

حزب جمهوری خلق که در انتخابات دیروز برنده شد، صد در صد با سیاست‌هایی که طی سال‌های حکومت اردوغان به سود ایرانیان تمام شده، مخالف است. در صورتی که این حزب قدرت بگیرد. مهاجرت به ترکیه، سرمایه گذاری و کسب و کار در این کشور برای ایرانیان دشوار خواهد شد. روزنه‌ای که ترکیه برای نفس کشیدن از تحریم‌ها باز کرده، بسته خواهد شد.

ویژگی این حزب، غربگرایی و بازگشت ترکیه به دورانی است که به همسایگانش از جمله ایران می گفت: پیف پیف شما بو می دهید، ما آوروپالی ایم. در صورتی که اردوغان از قدرت بیفتد، حتی پناهجویی هم در ترکیه دشوار خواهد شد.

جالب است که هم‌میهنان ما به ترک‌ها درس سیاست هم می دهند. می روند ترکیه خوش می گذرانند، دیسکو می روند، کمال آزادی را دارند، هیچ کس هم به آنها چیزی نگفته، آن وقت بر می گردند به ترک‌ها می گویند که اسلام بدبخت‌شان خواهد کرد!

عزیزان، اسلامگرایان بیش از ۲۱ سال است در ترکیه سر کارند، در همه این سالها نه یک مشروب‌فروشی را بسته‌اند، نه یک قمارخانه و نه هیچ نوع مرکز تفریحی را. در همین ماه رمضان، میکده‌ها در مناطق توریستی غلغله است. دموکراسی ترکیه حقیقتا فرسنگ‌ها از دیگر کشورهای منطقه جلوتر است و قدرت به آرامی بین جریان‌های مختلف دست به دست می شود.

اردوغان بعد از شکست به جای اینکه بگوید هیچ چیزی از ارزش های ما کم نمی شود، گفت: انتخابات ۳۱ مارس برای ما یک نقطه عطف بود. او اعلام کرد: متأسفانه در آزمون انتخابات محلی مردود شدیم و به نتیجه‌ای که انتظار داشتیم نرسیدیم. همچنین به جای لجاجت با مردم در یک اظهار نظر رسمی و دموکراتیک گفت: ملت از صندوق برای رساندن پیامش استفاده کرد. بنابراین اینجا اگر می خواست وضعیت نامساعد گردد، در این ۲۱ سال می شد. ۵۰سال دیگر هم اردوغان و حزبش سر کار بمانند، ترکیه آن آسیبی را که شما نگران آنید نمی بیند، پس ساختار سیاسی ترکیه را عمیق‌تر بفهمید و خام‌طبعانه از شکست حزب رجب طیب اردوغان هلهله سر ندهید.

### در بازدید دکتر علیمردانی از مجموعه کشت و صنعت بنیاد مستضعفان خرم‌دره، مطرح شد؛

# کشت کم‌مصرف را نهادینه کنیم

نماینده مردم شهرستان‌های ابهر، خرم‌دره و سلطانیه در مجلس شورای اسلامی در بازدید از مجموعه کشت و صنعت بنیاد مستضعفان خرم‌دره، به ظرفیت های این مجموعه در منطقه اشاره کرد و گفت: زمین ۳۰ هکتاری کشاورزی دانشگاه آزاد در کنار فعالیت هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، یک ظرفیت بسیار عظیم محسوب می شود که باید از این پتانسیل در راستای توسعه منطقه استفاده گردد.

دکتر منصور علیمردانی با اشاره به تولید روزانه ۱۴۰ تن شیر به عنوان یکی از پتانسیل های خوب مجموعه کشت و صنعت بنیاد مستضعفان، افزود: فعالیت کشت و صنعت این مجتمع در کنار سایر گاوداری‌ها در حوزه تولید شیر یک ظرفیت خوب برای ورود به بحث صنایع تبدیلی است.

علیمردانی با اشاره به کشت گردو از رقم چندلر در مجموعه کشت و صنعت خرم‌دره، ادامه داد: با توجه به این که این رقم گردو دیر برگ و دارای مصرف آبی کمتری است در صورتی که کشت آن در باغات شهرستان گسترش یابد علاوه بر حفظ درختان از خسارت‌های ناشی از سرمازدگی در مصرف آب نیز صرفه‌جویی می شود.

نماینده مردم ابهر، خرم‌دره و سلطانیه در مجلس شورای اسلامی با توضیح اینکه وضعیت آب‌های زیرزمینی منطقه به ویژه دشت ابهر در حالت بحرانی قرار دارد بر لزوم پرهیز از کشت محصولات با نیاز آبی بالا تاکید کرده و با اشاره به فعالیت حدود ۲۲۰۰ حلقه چاه مجاز در منطقه، از اقدامات صورت گرفته توسط مجموعه کشت و صنعت بنیاد مستضعفان خرم‌دره در راستای کاهش مصرف آب و در پیش گرفتن سیاست کشت محصولات کم آب‌بر تقدیر کرده و افزود این الگو باید مورد توجه سایر فعالان کشاورزی منطقه نیز قرار بگیرد.

دکتر منصور علیمردانی با تاکید بر انتظار مردم برای بهره‌مندی شهرستان از سود فعالیت های این مجموعه در رفع نیازها و کاستی های منطقه، یادآور شد: خوشبختانه شاهد تحقق این موضوع در شهرستان و ایفای مسئولیت اجتماعی مجموعه کشت و صنعت بنیاد مستضعفان هستیم.

وی با تاکید بر اینکه بنیاد مستضعفان در تمامی عرصه‌ها همواره کنار مردم بوده است، از هزینه کرد حدود ۸ میلیاردی مجتمع کشت و صنعت بنیاد مستضعفان خرمدره در حوزه‌های مختلف در شهرستان، در راستای ایفای مسئولیت اجتماعی بنیاد تقدیر و تشکر کرد.

نماینده مردم ابهر، خرم‌دره و سلطانیه در مجلس شورای اسلامی در ادامه به بیمارستان جدید خرم‌دره اشاره کرده با نامطلوب ارزیابی کردن وضعیت بهداشت و درمان در شهرستان خرم‌دره به ویژه فرسودگی و کمبود فضای تنها بیمارستان این شهرستان، افزود: بیمارستان ۲۲۶ تختخوابی این شهرستان علیرغم برخی صحبت‌ها و ادعاها بودجه ای ندارد و این موضوع حتی در احکام و جداول بودجه نیز نیامده‌است.

وی همچنین با اشاره به این موضوع که بیمارستان بوعلی سینا در حد یک بیمارستان نیست، اظهار کرد: راه‌اندازی بیمارستان جدید نور ولایت علاوه بر رفع نیاز مردم شهرستان خرم‌دره می تواند پاسخگوی نیاز بخشی از حوادث جاده‌ای یا مسافرانی که در حال تردد از مسیرهای ارتباطی منطقه هستند نیز باشد.

دکتر علیمردانی با تشریح این مطلب که تنها مرکز تروما، از تاکستان تا زنجان بیمارستان الغدیر ابهر است، افزود: این مرکز ۴۰ دقیقه تا اتوبان فاصله دارد و همین موضوع سبب می شود زمان طلایی رسیدگی به مصدومان از دست برود، این امر در حالی است که اگر بیمارستان جدید نور ولایت به سرانجام برسد بیش از چند دقیقه با اتوبان فاصله نخواهد داشت. بنابراین راه‌اندازی این بیمارستان هم به سود مردم منطقه و هم به سود بیش از شش میلیون تردد کننده در این مسیر است.

در ادامه این دیدار، مدیر عامل کشت و صنعت خرم‌دره با ارائه توضیحاتی از فعالیت این مجموعه، به اهم فعالیت های این مجتمع در بخش کشاورزی و پرورش گاو شیری اشاره و افزود در بخش کشاورزی تمرکز فعالیت‌ها بر روی فعالیت باغداری است.

دکتر رضایی با توضیح اینکه سابقه فعالیت شرکت به ۵۰ سال می‌رسد، ادامه داد: در بخش گاوداری روزانه ۱۴۰ تن شیر تولید می‌شود و این مجتمع یکی از گاورداری‌های بزرگ کشور محسوب می‌گردد که راندمان تولید ممتازی دارد به طوری که سال گذشته راندمان تولیدمان ۲/۴۴ به ازای هر راس دام بوده است که یک عدد ممتاز جهانی به لحاظ بهره‌وری است.

دکتر رضایی با توضیح اینکه در بخش کشاورزی به خاطر مصرف بالای آب در زراعت، فعالیت زراعی خود را طی شش سال گذشته کاهش دادیم، افزود: بیشتر تمرکزمان در زمینه باغداری است به طوری که در حال حاضر ۴۰۰ هکتار باغ در شرکت داریم که از این مقدار ۷۰ هکتار در شهرستان طارم قرار دارد و ۳۲۰ هکتار نیز در شهرستان خرم‌دره است که ۳۰۰ هکتار آن به درخت گردو اختصاص دارد.

وی با ارائه توضیحی از نیروی انسانی فعال در مجموعه کشت و صنعت بنیاد مستضعفان خرم‌دره، ادامه داد: کل پرسنل شرکت ۲۶۰ نفر به صورت دائم هستند که با فعالیت کارگران فصلی و غیر دائم این عدد به ۶۰۰ نفر هم می‌رسد.

دکتر رضایی با تاکید بر اینکه از سال ۸۲ به بعد بنیاد مستضعفان چند طرح توسعه کمی و کیفی را در کشت و صنعت خرم‌دره اجرا کرده‌است، گفت: از سال ۱۴۰۱ طرح بهسازی و ارتقا واحد تکنولوژی بخش گاوداری با سرمایه گذاری ۱۳۷ میلیارد تومانی اجرا شد و نکته قابل توجه این است که از سال ۹۰ ظرفیت گاورداری ثابت و با ظرفیت بین ۷ هزار تا ۷۳۰۰ راس گاو شیرده به فعالیت خود ادامه داده است.

وی با توضیح اینکه در حال حاضر بیشتر بر روی کیفیت و تکنولوژی کار می کنیم، گفت: در همین راستا مدرن‌ترین دستگاه شیردوشی که در حوزه گاوداری شیری کشور مورد استفاده قرار می گیرد، خریداری شده است که با نصب آن، هزینه انجام شده به یک‌میلیون و صد هزار یورو خواهد رسید که طی یک ماه آینده بخشی از آنها وارد کشور شده و در افزایش بهره‌وری مجتمع تأثیر چشمگیری خواهد گذاشت.

مدیر عامل مجموعه کشت و صنعت خرم‌دره با یادآوری اینکه پیش‌بینی می‌شود تا پایان نیمه اول سال جاری این دستگاه به بهره‌برداری برسد، تصریح کرد: در این قبیل طرح‌ها سعی می‌شود با اجرای گاوداری تکنولوژیک ، با کاهش نقش نیروی انسانی بهره‌وری افزایش یابد.

وی در ادامه با اشاره به اینکه استان زنجان از اقلیم فوق‌العاده‌ای برای کشاورزی و باغداری برخوردار بوده و خاک مناسبی هم دارد، افزود: محدودیت بزرگ ما در حوزه کشاورزی محدودیت منابع آبی است به طوری که طی سال‌های گذشته ۴۰۰ لیتر در ثانیه مجوز بهره‌برداری آب داشتیم که در حال حاضر به یک سوم کاهش یافته است.

رضایی همچنین با توضیح اینکه با توجه به محدودیت‌های منابع آبی به این نتیجه رسیدیم که به جای کشت محصولات پرآب به سمت کشت محصولات کشاورزی کم آب حرکت کنیم، افزود: در همین راستا کشت گردوی چندلر با مصرف آب پایین و محصول بالا در دستور کار قرار گرفت.

دکتر رضایی با بیان اینکه رقم گردوی چندلر از ارقام دیر برگ و زود بازده است تا جایی که در هر هکتار بیش از ۴ تن محصول می‌دهد، خاطرنشان کرد: این نوع گردو تجاری‌ترین رقم گردو در سطح دنیاست و قیمت جهانی بالایی دارد.

وی با تاکید بر اینکه با توجه به محدودیت‌های منابع آبی باید از کشت و تولید محصولات کشاورزی غیر استراتژیک پرهیز کرد، متذکر شد: در حال حاضر تمام آبیاری‌ها در مجموعه کشت و صنعت بنیاد مستضعفان خرم‌دره مکانیزه است.

وی ابراز کرد: در سال ۹۶ پیوندک این گردو از ترکیه خریداری می‌شد که افتخار کشت و صنعت خرم‌دره این است در حال حاضر پیوندک استان‌های زنجان، قزوین، اردبیل و همدان را تامین می‌کند و دیگر نیاز به واردات از ترکیه نیست.

دکتر رضایی با یادآوری اینکه طی سه سال اخیر بیش از ۱۰۰ هزار اصله پیوندک در استان توزیع شده است، گفت: موضوع مهمی که دنبال می‌شود برگزاری کلاس‌های آموزشی برای باغداران در واحد کشاورزی است که این آموزش‌ها هم تئوری و هم عملی است وی همچنین به اعزام تکنسین به روستاها جهت آموزش باغداران و کشاورزان نیز اشاره کرد

و افزود: مجموعه کشت و صنعت بنیاد مستضعفان همیشه و در همه جا پشتیبان مردم بوده است به طوری که در حوزه مسئولیت اجتماعی همواره نقش‌آفرین می‌باشد، او خاطر نشان کرد: در همین راستا هشت میلیارد تومان در شهرستان خرم‌دره برای پروژه‌های مختلف از جمله مساجد، مدارس و ورزشگاه کارگران خرمدره هزینه شده است.

کاربرد انواع طاق و قوس‌های هلالی کاربرد انواع طاق و قوس‌های هلالی، جناغی و ضربی، و گهواره‌ای در راسته‌های اصلی و فرعی است که مزین به آجرچینی هایی با طرح‌های مختلف هندسی خفته، راسته، و حصیری، و به کارگیری آجر و کاشی به سبک قدیمی، و کاشی‌کاری به رنگ‌ها و طرح‌های قاجاری در سطوح خارجی و داخلی بناها، طاق نماها، طاق و قوس‌ها و همچنین ستون نماهای گلدانی، اوج این سبک‌های معماری و شیوه‌ها و نو آوری‌های تزئینی در اجزا و ارکان مساجد تاریخی زنجان مخصوصاً مسجد جامع زنجان به ظهور رسیده است. مجموعه بازار زنجان ۵۶ راه ورودی اصلی و فرعی به شبکه ارتباطی کل شهر دارد و با دارا بودن حدود ۱۰۰۰ باب مغازه جایگاه فعالیت ۱۰ نوع شغل است. بازار زنجان نه تنها از لحاظ تجاری بلکه از نظر معماری نیز دارای اهمیت زیادی بوده و کاملاً از سبک معماری دوره قاجاریه پیروی کرده‌است. این مجموعه با توجه به ویژگی های معماری و هنری آن، پیوسته به عنوان کانون مهم تجاری، تاریخی، فرهنگی مورد توجه بازدید کنندگان شهر زنجان قرار گرفته است. کاروانسراهای بازار زنجان یا به‌عبارت دیگر سراهای آن از ارزشمندترین عناصر تجاری و معماری این بازار به حساب می‌آیند. سراها غالباً محل استقرار تجارتخانه‌ها بوده‌اند و همگی دارای حیاط مرکزی هستند. نکته مهم در مورد سراها چگونگی ارتباط آنها با راسته و نحوه حرکت در داخل آنهاست. سراهای ملک، حاج شعبان، حاج فتح‌الله، حاج جواد، نهالی، شاطرعلی، حاج رحمان قربانی، حاج کلبعلی، حاج شامی از جمله سراهای یک حیاطی بازار زنجان هستند. مجموعه بازار قدیمی زنجان در سال ۱۳۷۴ از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با شماره ۱۴۴۰ در فهرست آثار ملی ایران به‌ثبت رسید.

**«حاج داداش» نمادی باشکوه از معماری ایرانی**

گرمابه «حاج داداش» از بناهای تاریخی ارزشمند در دل بازار تاریخی زنجان است که امروز صاحبان این بنا با تغییر کاربری آن، فضای مفرح و دلنشینی در قالب سفره خانه سنتی پدید آورده‌اند که آرامش و ذوق هنر ایرانی را نشان می دهد. این بنا نیز که به سفره خانه سنتی تبدیل شده است، در قلب بازار قدیمی زنجان واقع است. این بنا حدود ۱۰۰ سال پیش به‌عنوان حمام احداث شد و هم‌اکنون با حفظ بافت قبلی و با انجام اندکی تغییر و تزئینات زیبای سنتی به عنوان سفره‌خانه برای پذیرایی گردشگران و اهالی شهر مورد استفاده قرار می گیرد. گنبد اصلی حمام حاجی داداش که یکی از قدیمی‌ترین بناهای تاریخی شهر زنجان تنها حمام ستون سنگی زنجان است بر روی چهار ستون سنگی قرار گرفته که این ستون‌ها در زمان خود توسط هنرمندان همدانی تراشیده شده‌است. زیباترین بخش این حمام سنتی فضای بینه آن است. در این بخش طاق اصلی برروی چهار ستون سنگی مزین به سر ستون‌های مکعبی شکل و بدنه مارپیچی (از نوع ستون‌های ترکیبی) قرار دارد. این بنا اکنون به عنوان چایخانه سنتی مورد استفاده قرار می گیرد. این بنا که قدمت آن به طور تقریبی به ۱۵۰ الی ۲۰۰ سال پیش می‌رسد توسط معماری که حمام به نام او منسوب است، در وسط بازار زنجان که از دوران صفویه به بعد مرکز داد و ستد و فرهنگ بومی و محلی بوده و این مرکزیت را تاکنون حفظ کرده واقع شده است. این بنا درست مقابل مسجد آیت‌الله قائمی که یکی از مساجد قدیمی و مهم زنجان است واقع شده است. از سمت شرق مجاور به سرای ملک بوده که هم اکنون میراث فرهنگی استان مشغول بازسازی و احیا آن است و از سمت شمال به خانه‌های مسکونی محلی محدود می‌شود. از طرف غربی نیز به آزمایشگاه پرفسور حسابی و کوچه سیدلر منتهی می‌شود. این بنا در مساحتی در حدود ۴۰۰ مترمربع زیربنا در زمینی بالغ بر ۲۵۰۰ مترمربع واقع شده که از سه نقطه می توان به آن رفت و آمد کرد که یکی از آنها از طرف درب اصلی که روبروی مسجد آیت‌اله قائمی است و دیگری از طرف مغازه‌ای که قبلاً محل سوخت رسانی حمام بوده و هم اکنون به مغازه تبدیل شده و در حدود ۲۵ متر ضلع شرقی درب اصلی واقع شده‌است. از سازنده اصلی بنا اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی به گفته بعضی از سالخوردگان فردی به نام حاج داداش بانی بنا است که از همان موقع حمام فوق به نام حاج داداش مشهور می‌شود.

**سرای ملک**

سرای ملک در بازار پایین زنجان قرار دارد. سرای ملک با داشتن یک حیاط و سه دالان ورودی و یک دالان عمود بر دالان ورودی جنوبی که از سمت شرق دارای یک ورودی دیگر می‌باشد که در یک طبقه بنا شده است. این بنا از الگوی سراهای رواق دار تبعیت کرده که امروزه رواق‌های آن مسدود شده و به حجره‌ها اضافه گردیده است. حیاط دارای معماری چهار ایوانه با پلان مربع می باشد که دور تا دور آن دارای ۲۰ حجره چهار راهروی دسترسی بین حجره‌های شرقی-غربی می‌باشد. به نظر می‌رسد ستون‌های رواق‌ها به صورت مستطیل با نیم ستونی گرد اجرا شده‌است. ایوان شمالی این سرا از همه مرتفع‌تر است. این سرا در جبهه شمالی راسته بازار پایین قرار گرفته است در ضلع غربی آن حمام حاجی داداش و در روبروی آن سرای گلشن قرارگرفته است این سرا دارای ۵ ورودی می‌باشد که ورودی اصلی آن در راسته بازار پایین قرار دارد و ۲ ورودی به کوچه شرقی بنا و ۲ ورودی دیگر به فضای باز و متروک در سمت غرب بنا (پشت حمام حاجی داداش) باز می‌شود. حجره‌های اطراف این سرا به دلیل متروک شدن بیش از سایر سراها در معرض تخریب و خطرات جدی قرار دارد فرو ریختن بخش‌هایی در نمای جنوب شرقی سازه‌های طاقی را در معرض عوامل جوی مخرب داده است. در نمای شرقی نیز مورد مشابهی به صورت خفیف‌تر وجود دارد. این سرا امروزه کاربری بازارچه صنایع دستی دارد.